

# در بندت شیر اسایر

علل عدم یاری جبهه حق در خطبه فدکیه

سخنرانی روشمند ویژه ایام فاطمیه

معاونت پژوهش امیربیان فارس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# در بند تن آسایی

سخنرانی روشمند ویژه ایام فاطمیه

کاری از:

معاونت پژوهش موسسه امیربیاں فارس

# سخنرانی روشمند در بند تن آسایی

کاری از: معاونت پژوهش موسسه تخصصی خطابه امیربیان  
فارس

عنوان و نام پدیدآورنده: امید صادق، امیر شفیعی، احمد  
زارعی، محمدحسین جمالزاده، محمدهادی خوشبوئی،  
سعیدآزاده

ناظر کیفی: معاونت پژوهش موسسه امیربیان شعبه فارس

طراح جلد: محمدجواد امیربیان

ویراستار: سیدعلی علوی

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۱۰۰۰

سال چاپ: پاییز ۱۴۰۲

مرکز پخش: شیراز، خیابان تحریر، حوزه علمیه مولى  
الموحدین، موسسه تخصصی تبلیغ و خطابه امیربیان فارس  
تلفن: ۰۹۱۷۴۵۶۹۲۸۴

## فهرست

- مقدمه ..... ۱۲
- جلسه اول ..... ۱۶
- موضوع ..... ۱۶
- انگیزه سازی ..... ۱۷
- حضرت موسی و قوم بنی اسرائیل ..... ۱۷
- اقناع اندیشه ..... ۲۰
- فریادهای بانوی عصمت بر سر خواص ..... ۲۰
- آسیب شناسی جامعه مدینه در کلام حضرت  
زهرا علیها السلام ..... ۲۲
- راحت طلبی، مانعی برای یاری جبهه حق ..... ۲۵
- خطر مزراحت طلبی ..... ۲۹
- پرورش احساس ..... ۳۰
- مذمت شدن از ناحیه بانوی طهارت ..... ۳۰
- داستان عبدالله ابن حرجعی ..... ۳۲
- شهید مهدی زین الدین ..... ۳۴

۳۶	رفتار سازی
۳۶	موعد امتحان
۳۷	محاسبه نفس
۳۸	شهید علی سیفی
۳۹	مراحل سه گانه اخلاق
۴۰	چهار آزمون الهی
۴۱	جهاد تبیین
۴۲	مصداق جهاد تبیین
۴۳	راننده تاکسی
۴۴	فرزند آوری
۴۶	امر به معروف و نهی از منکر
۴۷	نصرت نیازمندان
۴۸	روضه
۵۴	جلسه دوم
۵۴	موضوع

- انگیزه‌سازی ..... ۵۵
- بنای استوار ..... ۵۵
- اقناع اندیشه ..... ۵۶
- ندای ولایت ..... ۵۶
- ولایت کلان نظریه سیاسی - اجتماعی تشیع ۵۸
- گستره ولایت ..... ۶۰
- ولایت طولی ..... ۶۰
- ولایت عرضی ..... ۶۲
- جنبه‌های ولایت عرضی ..... ۶۵
- بی‌مرزی ولایت عرضی ..... ۶۸
- راحت طلبی؛ مانع تحقق ولاء طرفینی ..... ۶۹
- پرورش احساس ..... ۷۰
- وسوسه شیطان ..... ۷۰
- حدیث سلمان ..... ۷۲
- رفتار سازی ..... ۷۶

- ۷۶ ..... واجب فراموش شده
- ۷۸ ..... دو تصور ناصحیح
- ۷۸ ..... امر به معروف کارمانیست!
- ۸۰ ..... امر به معروف اثر ندارد!
- ۸۴ ..... روضه
- ۸۸ ..... جلسه سوم
- ۸۸ ..... موضوع
- ۸۹ ..... انگیزه سازی
- ۸۹ ..... نخلستان های فدک
- ۹۱ ..... اقناع اندیشه
- ۹۱ ..... سؤال اساسی
- ۹۲ ..... احساس مسئولیت بانو
- ۹۳ ..... اخوت و همدلی
- ۹۳ ..... سنت حسنة نبی اکرم ﷺ
- ۹۴ ..... ریشه اخوت و همدلی



- وظایف اخوت و برادری ..... ۹۶
- راحت طلبی مانع بر سر راه اخوت و همدلی .... ۹۸
- پرورش احساس ..... ۹۹
- مصادیقی از راحت طلبی ..... ۹۹
- مکتب زهرا علیها السلام ..... ۱۰۱
- شهید حمید سیاهکالی ..... ۱۰۸
- پیامد ترک اخوت و همدلی ..... ۱۰۹
- ترک اخوت مانعی برای ظهور ..... ۱۱۲
- اخوت و همدلی؛ نعمت خدا ..... ۱۱۳
- رفتار سازی ..... ۱۱۷
- رزمایش اخوت و همدلی ..... ۱۱۷
- ظرفیت های بی نظیر ..... ۱۲۰
- مصادیقی از اخوت و همدلی ..... ۱۲۱
- روضه ..... ۱۲۵
- جلسه چهارم ..... ۱۲۹

- موضوع ..... ۱۲۹
- انگیزه سازی ..... ۱۳۰
- جایگاه تربیتی زن ..... ۱۳۰
- اقناع اندیشه ..... ۱۳۴
- از راحت طلبی گفتیم ..... ۱۳۴
- سیره بانو در مبارزه با راحت طلبی ..... ۱۳۵
- کلیدی ترین راه برای عبور از راحت طلبی ..... ۱۳۶
- زنان در رویارویی راحت طلبی ..... ۱۳۸
- بانوی عصمت ..... ۱۳۸
- همسر زهرا بن قین ..... ۱۴۰
- همسر رهبری ..... ۱۴۲
- پرورش احساس ..... ۱۴۴
- مادران و همسران شهدا الگوی رهایی ..... ۱۴۴
- مادر چهار شهید ..... ۱۴۵
- همسری زهرا ع ..... ۱۴۷

- رفتارسازی..... ۱۴۹
- تربیت زنان..... ۱۴۹
- وصیت سردار..... ۱۵۰
- تربیت زن در فرهنگ غرب..... ۱۵۱
- فرهنگ بی حیایی و بی حجابی..... ۱۵۱
- اشتباه محاسباتی در امر حجاب..... ۱۵۲
- مصادیقی از ولایت عرضی..... ۱۵۳
- عملکرد رهبری در حجاب..... ۱۵۴
- روضه..... ۱۵۶

## مقدمه

خطبه فدکیه زهرای مرضیه علیها السلام یادگاری گران سنگ از بانوی عصمت و طهارت است. خطبه ای که زهرای مرضیه علیها السلام در پی حوادث غصب خلافت و غصب فدک در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله در حضور انصار و مهاجرین ایراد فرمودند و حقایق بسیاری را روشن کردند.

این خطبه ی نورانی علاوه بر اینکه در برگیرنده احتجاجات زهرای اطهر علیها السلام نسبت به دو موضوعی است که عرض شد، دارای حقایق و معارف بسیاری است که جویندگان راه حقیقت را به سمت سعادت راهنمایی می کند.

آنچه ما از این خطبه نورانی در جلسات پیش رو استفاده کرده ایم، ریشه یابی علت عدم همراهی و یاری جبهه ی حق توسط اصحاب پیامبر علیها السلام است؛ اصحابی که به تصریح خود بانوی عصمت هم جایگاه بانورانی شناختند و هم از حقیقت آگاه

بودند و هم توانایی یاری جبهه حق را داشتند اما کوتاهی کردند.

زهرای مرضیه ع در این خطبه ی نورانی علت این عدم همراهی را غلبه روحیه راحت طلبی معرفی می کنند و می فرمایند:

«إِلَّا وَقَدِ ارَىٰ إِن قَدْ إِخْلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ»؛ آگاه باشید! همانا می بینم که به آسایش و زندگی راحت رغبت یافته؛

«وَأَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَالْقَبْضِ وَإِغْوَاهُمْ عَلَيْهِ»؛ و کسی را که به اداره و تدبیر امور از همگان سزاوارتر است، از منصب زمامداری دور کرده اید؛  
«وَأَخْلَوْتُمْ بِالِدِّعَةِ»؛ و به تن پروری و آسایش در گوشه خلوت تن داده اید؛

«وَنَجَوْتُمْ مِنَ الضِّيقِ بِالسَّعَةِ»؛ و از فشار و تنگنای مسئولیت ها به وسعت بی تفاوتی روی آورده اید.

.....

نکته اینجاست که وقتی بررسی می‌کنیم می‌بینیم غلبه‌ی این روحیه ما را در موارد متعددی از انجام وظیفه و عمل به موقع باز می‌دارد که از آن وظایف حیاتی و مهم که امروز ما بیش از هر زمان دیگری به آن‌ها محتاجیم می‌توان به وظیفه و لاء طرفینی و عمل به وظیفه اخوت و هم‌دلی تصریح کرد.

لذا ما بر آن شدیم که علاوه بر سخن گفتن پیرامون وظیفه و لاء طرفینی و اخوت و هم‌دلی جهت آشنایی هر چه بیشتر مخاطبین با این دو مهم؛ از روحیه راحت‌طلبی که مانعی جدی بر سر راه این وظایف است سخن بگوییم و راه برون‌رفت از این روحیه را مورد بحث قرار دهیم. ضمناً مادر آخرین جلسه‌ی این محتوا از جایگاهی سخن گفته‌ایم که می‌تواند هم در نجات و هم در سقوط جامعه به واسطه‌ی روحیه راحت‌طلبی بسیار موثر باشد.

این محتوا شامل چهار جلسه سخنرانی روشمند است که عناوین جلسات آن به شرح زیر است:

جلسه اول: راحت‌طلبی مانعی برای یاری جبهه حق

.....  
جلسه دوم: راحت طلبی مانعی بر سر راه انجام  
وظیفه و لاء طرفینی

جلسه سوم: راحت طلبی مانعی بر سر راه انجام  
وظیفه اخوت و همدلی

جلسه چهارم: تبیین نقش زن و مادری در عبور یا  
سقوط جامعه به واسطه روحیه راحت طلبی

امیدواریم این تلاش مورد توجه و عنایات مادرمان  
زهرای مرضیه علیها السلام قرار گیرد و بتواند گرهی از جامعه  
ی مومنین باز کند.

معاونت پژوهش موسسه امیربیان شعبه فارس

.....

## جلسه اول

### موضوع

راحت طلبی مانعی برای یاری جبهه حق



## انگیزه‌سازی

## حضرت موسی و قوم بنی اسرائیل

داستان‌های حضرت موسی و قوم بنی اسرائیل که برخی از آنها در قرآن کریم آمده بسیار درس‌آموز است. قوم بنی اسرائیل مدت‌های زیادی گرفتار ظلم و ستم فرعونیان بودند تا اینکه خدای متعال به واسطه حضرت موسی آنها را نجات داد. عصای حضرت موسی وسیله نجات آنها شد؛ حضرت موسی به وسیله آن عصا آب‌ها را شکافت و آنها را از آن دریای با عظمت عبور داده و وارد منطقه امنی کرد.

حال نوبتی هم که باشد نوبت قوم بنی اسرائیل است که خودشان را نشان دهند؛ حضرت موسی به آنها فرمود:

«يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ»؛ (ای قوم من، به این سرزمین مقدس که خدا برای شما مقرر

کرده است (شامات) وارد شوید، و به گذشته‌تان  
برنگردید که در این صورت زیانکار خواهید شد.<sup>۱</sup>  
اینجا مردم باید همت کنند و برای رفاه و آسایش و  
امنیت و پیشرفت خود، زحمت بکشند و وارد آن  
سرزمین موعود بشوند! اما در کمال تعجب خطاب  
به موسی می‌گویند:

«قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَنَنذُرُهَا  
حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ»؛<sup>۲</sup>  
(گفتند: ای موسی! در آنجا، گروهی [نیرومند و]  
ستم‌گرند؛ و ما هرگز وارد آن نمی‌شویم تا آن‌ها از آن  
خارج شوند؛ اگر آن‌ها از آن خارج شوند، ما وارد  
خواهیم شد)

تلاش‌های حضرت موسی نتوانست آنها را قانع  
کند که وارد میدان شوند و در نهایت به حضرت  
موسی گفتند:

---

۱. مائده: ۲۱

۲. مائده آیه ۲۲

.....  
 «يَا مُوسَىٰ إِنَّا لَن نَّذْخُلُهَا إِبْدًا مَّا دَامُوا فِيهَا فَازْهَبْ  
 إِنَّتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ»؛ (ای موسی! تا  
 آن‌ها در آنجا هستند، ما هرگز وارد نخواهیم شد؛ تو  
 و پروردگارت بروید و [با آنان] بجنگید، ما همین‌جا  
 نشستیم.)

خداوند هم فرمود حالا که حاضر نیستید هیچ  
 حرکتی کنید و قدمی بردارید و سختی‌ای متحمل  
 شوید؛ شمارا به عواقب عملتان گرفتار می‌کنم. لذا  
 به حضرت موسی فرمود:

«قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ إِرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي  
 الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ»؛<sup>۲</sup> (خداوند  
 [به موسی] فرمود: «این سرزمین [مقدس]، تا  
 چهل سال بر آن‌ها ممنوع است [و به آن نخواهند  
 رسید]؛ پیوسته در زمین (در این بیابان)، سرگردان  
 خواهند بود؛ و درباره‌ی [سرنوشت] این جمعیت  
 گنهکار، غمگین مباش.)

---

 ۱. مائده: ۲۴)

۲. مائده: ۲۶)

.....  
 راستی چه چیزی باعث شد قوم بنی اسرائیل به چهل سال آوارگی و سرگردان شدن در بیابان هاتن دهند، اما مقابل دشمن ایستادگی نکنند و جبهه حق را یاری ندهند؟

همان مسئله‌ای که مردم زمانه امیرالمؤمنین و زهرای مرضیه سلام الله علیهما هم به آن مبتلا بودند و باعث شد جبهه حق و امام حق را یاری ندهند.

## اقناع اندیشه

### فریادهای بانوی عصمت بر سر خواص

در فرازی از خطبه فدکیه، حضرت زهرا علیها السلام با دلی شکسته و لحنی گلایه آمیز اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله را خطاب کرده می‌فرمایند شما در عین این که توانایی دفاع از من و یاری جبهه حق را دارید اما کوتاهی می‌کنید.

در همین بیان نورانی، حضرت به برخی شاخصه‌های این افراد تصریح کردند که نشان می‌دهد آنها توانایی دفاع از حضرت را داشتند؛ اما

کوتاهی کردند. زهرا علیها السلام در این فراز از خطبه فدکیه می‌فرماید:

«يَا مَعْشَرَ النَّقِيبَةِ وَأَعْضَادَ الْمِلَّةِ وَحَضَنَةَ الْإِسْلَامِ!؛ ای گروه نقباء، وای بازوان ملت، ای حافظان اسلام. اگر شما با این موقعیت نتوانید از حق زهرا علیها السلام دفاع کنید پس چه کسی می‌تواند؟!»

شمایی که به تعبیر حضرت زهرا علیها السلام در همین خطبه، صاحب عِدّه و عُدّه هستید؛ هم افراد از شما حرف‌شنوی دارند؛ هم صاحب قدرت و ابزار هستید؛ اسلحه و سپر و زره دارید، به شجاعت معروفید، به خیر و صلاح موصوفید؛ جزء برگزیدگان هستید - که این اوصاف همه در کلمات حضرت هست - اما در عین حال جبهه حق را یاری نمی‌کنید؛ ناله‌ها و فریادهای بانوی عصمت و

---

۱. خطبه فدکیه: اِيهَا بَنِي قَيْلَةٍ! اءْ اَهْضَمُ تَرَاثِ اَبِي وَاَنْتُمْ بِمَرَايِ مَنِي وَاَمْسَمِعَ وَاَمُنْتَدِي وَاَمَجْمَعُ، تَلْبَسُكُمْ الدَّعْوَةُ وَتَشْمَلُكُمْ الْخَيْرَةُ، وَاَنْتُمْ ذُوو الْعَدَدِ وَاَلْعُدَّةِ وَاَلْاَدَاةِ وَاَلْقُوَّةِ، وَاَعِنْدَكُمْ السَّلَاحُ وَاَلْجَنَّةُ، تَوَافِيكُمْ الدَّعْوَةُ فَلَا تَجِيبُونَ، وَتَأْتِيكُمْ الصَّرْحَةُ فَلَا تَغِيثُونَ، وَاَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْكَفَاحِ، مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَاَلصَّلَاحِ، وَاَلنُّخْبَةِ الَّتِي اَنْتَخِبْتِ، وَاَلْخَيْرَةِ الَّتِي اخْتِيرْتِ لَنَا اَهْلَ الْبَيْتِ.

.....  
 دردانه یادگار پیامبر ﷺ را می شنوید اما او را اجابت نمی کنید. گیر کار شما کجاست؟ مشکلاتان چیست که با این همه پشتوانه، زهرا علیها السلام را تنها گذاشتید و تماشاگر ضایع شدن حق حضرت هستید؟

آسیب شناسی جامعه مدینه در کلام حضرت

زهرا علیها السلام

واقعاً مشکل کجا بود؟ این مسئله از چه چیزی ناشی می شد که حضرت زهرا علیها السلام، بانویی که صاحب مقام عصمت است، تصریح می کنند که شما توانایی دفاع از من را دارید اما کوتاهی می کنید؟ چه خصلتی و چه خصوصیتی بر اینها غلبه کرده بود که دچار این انحراف و سقوط شدند؟ این بیان حضرت برای همه ما یک تذکر و هشدار مهم است که نکند دامان ما هم به آنچه مردم ه صدیقه طاهره علیها السلام مبتلا بودند، آلوده شود که همه ما باید از انحراف به خدا پناه ببریم.

خود وجود نازنین زهرای مرضیه علیها السلام در همین خطبه فدکیه به منشأ این عدم دفاع و تنها گذاشتن جبهه حق تصریح می‌کنند و بیان می‌دارند که گیرکار شما کجاست و این کوتاهی در یاری جبهه حق از کجا سرچشمه می‌گیرد.

متن کلام حضرت در پاسخ به این سؤال محوری و مهم این است:

«إِلَّا وَقَدَّارِي إِنْ قَدْ إِخْلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ!»؛ آگاه باشید! همانا می‌بینم که به آسایش و زندگی راحت رغبت یافته؛

«وَأَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَالْقَبْضِ وَإِغْوَاهُمْ عَلَيْهِ!»؛ و کسی را که به اداره و تدبیر امور از همگان سزاوارتر است، از منصب زمامداری دور کرده‌اید؛  
«وَأَخْلَوْتُمْ بِالِدِّعَةِ!»؛ و به تن پروری و آسایش در گوشه خلوت تن داده‌اید؛

«وَنَجَوْتُمْ مِنَ الضِّيقِ بِالسَّعَةِ!»؛ و از فشار و تنگنای مسئولیت‌ها به وسعت بی تفاوتی روی آورده‌اید.

.....  
 در این کلام حضرت دو سه تعبیر کلیدی و مهم وجود دارد که توضیحی در مورد آنها محضرتان تقدیم می‌کنم.

یکی تعبیر «خلود الی الخفض» است؛ «خلود» به معنای بقا و دوام در چیزی یا جایی است؛ «خفض» هم به معنای راحتی، آسایش و ملایمت زندگی است. پس «خلود الی الخفض» به معنای سرگرمی دائم به زندگی آرام و راحت است به نحوی که شخص به هیچ قیمتی حاضر نیست آرامش و راحتی زندگی‌اش را به هم بزند.<sup>۱</sup>

تعبیر دیگر این است: «لَوْ بِالِدِّعَةِ»؛ «خَلَوْ بِالشَّيْءِ» به معنای خلوت کردن با چیزی است؛ یعنی شخص خودش هست و آن چیز. «الدِّعَةُ» هم معنایی مترادف با «خفض» دارد. بنابراین «خَلَوْ بِالِدِّعَةِ» به معنای این است که شخص همه چیز را کنار زده و فقط به راحتی و آسایش زندگی دنیا چسبیده است

---

۱. بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۲۹۷



.....  
 که می شود گفت از جهت معنا این دو عبارت خیلی  
 به هم نزدیک هستند.<sup>۱</sup>

تعبیر سوم این است: «النجوم من الضيق بالسعة»؛  
 شما سرعت و پیشی گرفتید از تنگنا و سختی  
 به سوی وسعت و گشایش.

یعنی شما اگر می خواستید از حق دفاع کنید، خود را  
 با غاصبان خلافت درگیر می کردید و در تنگنا و فشار  
 قرار می گرفتید؛ ولی خود را از گرفتاری و سختی دفاع  
 از حق نجات دادید و به زندگی خوش و راحت طلبی  
 روی آوردید و برای رسیدن به این خوشی و راحتی  
 خیلی شتاب و عجله داشتید.<sup>۲</sup>

### راحت طلبی، مانعی برای یاری جبهه حق

پس طبق بیان نورانی زهرای مرضیه ع آنچه سبب  
 شد که اصحاب پیامبر ص، آن کسانی که به صراحت  
 کلام خود حضرت سال های متمادی کنار پیامبر ص  
 بودند و در صحنه های مختلفی امتحان پس داده

---

۱. همان

۲. خطبه حضرت زهرا و ماجرای فدک، ج ۱، صفحه ۲۴۸

.....

بودند، بانوی عصمت رایاری نکنند و جبهه حق را تنهارها کنند، وجود خصلت راحت طلبی و تن آسایی بود؛ بلکه خصلت راحت طلبی و تن آسایی. این خصلت مذموم اگر بر انسان غلبه پیدا کرد کاری می کند که شخص ولو سال های متمادی در جبهه حق تلاش کرده و زحمت کشیده و راه پیموده باشد اما در نهایت دست از یاری جبهه حق بردارد.

خصلت بسیار عجیب و خطرناکی است راحت طلبی و تن آسایی که می تواند انسان را متوقف کند.

کسی که به تن آسایی و راحت طلبی روی آورد، روحیه انقلابی خود را از دست می دهد و سربزنگاه امتحان های الهی سقوط می کند. جایی که نیاز به حضور او در صحنه، نیاز به مجاهدت او در میدان است عقب می کشد و جبهه حق را تنهایی می گذارد.

در آیاتی از قرآن شاهد مذمت این روحیه مذموم هستیم. یکی از جاهایی که قرآن به این موضوع پرداخته، آیه ۸۶ و ۸۷ سوره مبارکه توبه است. این آیات ناظر به کسانی است که حاضر نبودند به دستورات الهی در زمینه جهاد عمل کنند؛ و با این که

.....

هم دارای قدرت جسمانی بودند و هم قدرت مادی کافی برای حضور در میدان جنگ داشتند، سعی می کردند خود را در صف افراد ناتوان، یعنی کسانی که از نظر جسمی یا مالی توانایی جهاد نداشتند، جا دهند.<sup>۱</sup>

تعبیر قرآن کریم در این آیات این چنین است: «وَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ إِذْ لَوْ الطُّولِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ»؛ (و هرگاه سوره‌ای نازل شود که به خداوند ایمان آورید و همراه پیامبرش جهاد کنید، صاحبان ثروت (منافقان)، از تو اجازه‌ی مرخصی (برای فرار از جبهه) می‌خواهند و می‌گویند: ما را واگذار تا با خانه‌نشینان، (آنان که از جنگ معافند و باید در خانه بنشینند) باشیم.)

این روحیه مذموم راحت‌طلبی هست که اجازه نمی‌دهد خودشان را در صف مجاهدین قرار دهند. بعد در ادامه خدای متعال می‌فرماید:

---

۱. برگرفته از کتاب پیام قرآن حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی

.....  
 «رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ  
 فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ»؛ (آنان راضی شدند که با متخلفان و  
 خانه نشینان باشند و بر دل های آنان مهر زده شده  
 است، از این رونمی فهمند.)

یعنی حاضر شدند در جمع کودکان و زنان و از پا  
 افتادگان محسوب شوند اما وارد میدان جهاد  
 نشوند. این روحیه چه با انسان می کند.

وجود همین روحیه در برخی اصحاب پیامبر ﷺ  
 زمینه ساز اتفاقات سقیفه و حوادث غصب خلافت  
 شد و سبب گردید که مولای متقیان بیست و پنج  
 سال خانه نشین شود. آقایی که به تعبیر حضرت  
 زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ در سخنانش با زنان مدینه، می توانست  
 مردم را با ملایمت و نرمی به راه روشن دین هدایت  
 کند و مانع انحراف آنها شود و همگان را از چشمه  
 آب زلال و گوارا سیراب نماید.

---

۱. خطبه حضرت زهرا در جمع زنان مدینه؛ برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی  
 حضرت آیت الله مکارم شیرازی به آدرس: Bzn.i r /q13259

## خط قرمز راحت طلبی

البته اجازه بدهید من همین جا این نکته را هم متذکر بشوم که دین داری با اصل راحتی منافاتی ندارد و راحتی به خودی خود مذموم نیست. امام کاظم علیه السلام می فرمایند: «اجْعَلُوا لِأَنْفُسِكُمْ حَظًّا مِنَ الدُّنْيَا بِإِعْطَائِهَا مَا تَشْتَهِي مِنَ الْحَلَالِ» از لذت های حلال دنیا بهره ببرید و آن چیزی که دلتان می خواهد را برای خود فراهم کنید، «وَاسْتَعِينُوا بِذَلِكَ عَلَى أُمُورِ الدِّينِ» اما از لذت های دنیا برای تقویت دین داری استفاده کنید. دین و دنیا را فدای یکدیگر نکنید؛ «لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِدِينِهِ إَوْ تَرَكَ دِينَهُ لِدُنْيَاهُ» بنابراین، اصل بهره مندی از لذت های دنیا مذموم نیست، بلکه آنچه مورد مذمت دین و در این خطبه فدکیه مورد مذمت حضرت زهرا علیها السلام است آن راحتی است که مانع انجام تکلیف شود؛ آن راحتی که منجر به عدم یاری جبهه حق شود؛ راحتی

.....

که سبب گردد آنجایی که تو باید در میدان باشی  
عقب بکشی و صحنه را خالی کنی؛ آن راحتی که تو را به  
بی تفاوتی بکشاند؛ اینها آن راحتی است که با  
دین داری نمی سازد و مذموم و ناپسند است و دل  
حضرت زهرا علیها السلام را به درد آورده است.

## پرورش احساس

### مذمت شدن از ناحیه بانوی طهارت

همین قدر بدانیم کسی که این روحیه مذموم را دارد  
از چشم اهل بیت علیهم السلام می افتد؛ بلکه  
بالاتر مورد مذمت آنها قرار می گیرد. مگر حضرت  
زهرا علیها السلام در همین خطبه فدکیه مذمت نکردند  
اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله را، آن هم چه اصحابی، یارانی که  
سالهای متمادی در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله بودند و  
سختیها و مشقتهای فراوانی را متحمل شده  
بودند؛ برخی از آنها زندگی و خانه و کاشانه خود را در  
مکه رها کرده بودند و با پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه آمده  
بودند؛ اما همین افراد را بانوی عصمت مورد مذمت  
قرار دادند. اینها با این پشتوانه و عقبه سبب

.....

خشمگینی دختر پیامبر ﷺ شدند و او را غضبناک کردند؛ کدام دختر؟ همان دختری که رسول خدا ﷺ در حق او فرمود: «فَاطِمَةُ عَلَيَّالِهَا بَضْعَةٌ مِنِّي، فَمَنْ إِغْضَبَهَا إِغْضَبَنِي!»؛ (فاطمه علیها السلام پاره تن من است؛ هر کسی او را غضبناک کند، مرا غضبناک کرده).  
 اف بر این راحتی و تن آسایی که بخواهد این گونه دل پیامبر ﷺ و دخترش و اهل بیتش علیهم السلام را بیازارد.

که دنیا به خسران عقبی نیرزد  
 به دوری ز اولاد زهرا علیها السلام نیرزد!

از رحمت خدا دور باشند کسانی که این گونه پاره تن پیامبر ﷺ را آزر دهند و او را خشمناک کردند.  
 نمی دانم کسانی که با زهرا علیها السلام این میوه دل رسول الله ﷺ این گونه برخورد کردند فردای قیامت، روزی که هر کسی با امامش محشور می شود، چگونه با او روبه رو خواهند شد و چگونه به چهره او نگاه خواهند کرد و چه حالی خواهند داشت؟!

اینها همه ثمره غلبه این روحیه زشت و ناپسند است. عزیزان خیلی، خیلی باید مراقب بود؛ نکند خدایی نکرده دامان ما هم به این روحیه آلوده شود که روی سعادت را نخواهیم دید.

### داستان عبدالله ابن حر جعفی

چه افرادی که سال‌های سال در مسیر حق قدم برداشتند اما عاقبت همین راحت‌طلبی و تن‌آسایی کار دستشان داد و عاقبت شومی پیدا کردند. نمونه آن عبیدالله ابن حر جعفی است. این شخص جزء صحابی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و از جنگ‌جویان معروف بوده است. در زمان وجود نازنین امام حسین علیه السلام و در آستانه قیام کربلا در کوفه بود اما برای این که خودش را درگیر حوادث و اتفاقات پیش رونکند از کوفه خارج شد؛ اما در محلی با امام حسین علیه السلام مواجه شد. امام از عبدالله ابن حر جعفی دعوت کرد تا به کاروانش ملحق شود، اما او دعوت حضرت را نپذیرفت و گفت: «من چون نمی‌خواهم از یاران شما یا از دشمنان شما باشم از شهر بیرون آمده‌ام»؛ این همان روحیه راحت‌طلبی و تن‌آسایی



.....

است. می‌گوید: «من چه کار دارم برای خودم درد دسر درست کنم» و به تعبیر برخی: «سری که درد نمی‌کند دستمال نمی‌بندند»؛ من نه با شما هستم و نه علیه شما؛ زندگی خودم را می‌کنم و سرم در کار خودم است. می‌بیند امام زمانش نیاز به یاری دارد، می‌داند جبهه حق احتیاج به حمایت دارد، اما می‌گوید من حاضر نیستم زندگی راحت خودم را به خطر بیندازم؛ ای اف بر این زندگی این چینی و این آسایش خواهی و راحت طلبی. بعد این آدم به امام علیه السلام پیشنهاد کرد تا اسب، زره و مقداری پول به امام حسین علیه السلام بدهد؛ حتی به امام علیه السلام عرض کرد: «شما سوار بر این اسب تیزروی من شوید و فرار کنید، من هم قول می‌دهم از خانواده شما مراقبت کنم و آن‌ها را به شما ملحق کنم»؛ این پیشنهادها همه ناشی از این است که امام علیه السلام و جبهه حق را می‌شناسد اما راحت طلبی او اجازه نمی‌دهد تا امام حق را یاری کند؛ امام پاسخ دادند: «من نه به شما، نه به اسب شما و نه به ضمانت شما احتیاجی ندارم؛ فقط خواستم به شما لطفی کرده باشم و حالا تا می‌توانی از این جا دور شو که اگر کسی در نواحی

.....  
 کربلا باشد و صدای استغاثه مابه گوش او برسد و به  
 ما کمک نکند، مورد عذاب خداوند قرار می‌گیرد و  
 خداوند او را در آتش می‌اندازد».

در مقابل بودند افرادی که سخت با روحیه  
 راحت‌طلبی گلاویز شدند و این روحیه را زمین زدند  
 و شکست دادند و تا پایان هم این پیروزی‌شان را  
 حفظ کردند.

### شهید مهدی زین‌الدین

بسیاری از شهدای دفاع مقدس خودمان نمونه  
 همین انسان‌ها بودند که تا لحظه شهادت، برای  
 خدمت در جبهه حق شبانه‌روز تلاش کردند و برای  
 یاری این جبهه آرام و قرار نداشتند؛ شهید مهدی  
 زین‌الدین نمونه همین انسان‌هاست؛ حاج  
 حسین کاجی این راوی معروف دفاع مقدس از  
 همسر شهید زین‌الدین نقل می‌کرد که: «شب  
 مهدی زنگ خانه را زد؛ از طبقه بالای خانه آمد  
 پایین و تادر را باز کردیم دیدم مهدی همین طوری  
 که نشسته روی زمین تا بند پوتینش را باز کند،  
 خوابش برده؛ صدایش کردم و بیدار شد و آمد خانه؛

.....

سفره غذا را پهن کردم و مهدی پای سفره نشست؛ همین که رفتم غذا آوردم دیدم باز خوابش برده و گردنش کج شده، مجدد صدایش کردم، چشم باز کرد و گفت خانم بیست شبانه روز است که من درست نخوابیده‌ام» بله شه‌دا این‌گونه برای جبهه حق دویدند.

اجازه دهید چند دعا کنم و همه عزیزان از صمیم دل و با صدای بلند آمین بگویند: «خدا یا تورا قسم می‌دهیم به زهرای مرضیه علیها السلام که ما را برای یاری جبهه حق مصمم بگردان. تورا به زهرای مرضیه علیها السلام قسم می‌دهیم که ما را از این خصلت زشت و ناپسند یعنی راحت‌طلبی و تن‌آسایی در امان بدار؛ به همه ما توفیق بده در امتحان‌هایت، جایی که باید جبهه‌ی حق و امام حق را یاری دهیم، پایمان به خاطر راحت‌طلبی و تن‌آسایی و زندگی زودگذر دنیا نلغزد.»

## رفتار سازی

### موعد امتحان

البته برخی هم ممکن است خدایی ناکرده این روحیه ناپسند را در درون خود داشته باشند، اما از آن مطلع نباشند تا این که موعد امتحان فرارسد؛ زمانی که کار از کار گذشته؛ پس می بایست قبل از رسیدن فرصت امتحان، خودمان را محک بزنیم؛ لذا در روایات فرموده اند:

«حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا»؛ (پیش از آنکه به حساب شما برسند خود به حساب خویش برسید)؛

«وَزِنُوهَا قَبْلَ أَنْ تُوزَنُوا»؛ (و قبل از آنکه مورد سنجش قرار گیرید خویشتان را بسنجید)؛

«وَتَجَهَّزُوا لِلْعَرْضِ الْأَكْبَرِ»؛ و خود را برای رستاخیز بزرگ آماده کنید!

## محاسبه نفس

وامام کاظم فرمودند:

«لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ»؛ (از ما نیست کسی که هر روز به حساب خود رسیدگی نکند)؛

«فَإِنْ عَمِلَ حَسَنًا اسْتَزَادَ اللَّهُ وَ إِنْ عَمِلَ سَيِّئًا اسْتَغْفَرَ اللَّهُ مِنْهُ وَ تَابَ إِلَيْهِ»؛ (ببیند که اگر کار نیکی انجام داده است از خداوند توفیق انجام بیشتر آن را بخواهد و خدا را بر آن سپاس گوید و اگر کار بدی انجام داده است از خدا آمرزش بخواهد و توبه کند.)؛ یعنی انسان از خودش حساب بکشد؛ ما گاهی از فرزندمان، گاهی از همسرمان، گاهی از کارمند و کسی که برای ما کار می‌کند حساب می‌کشیم که چرا چنین و چنان کردی؛ آیا تابه حال شده از خودمان حساب بکشیم که چرا چنین و چنان کردی؟

چرا فلان عمل را مرتکب شدی؟

چرا فلان خط قرمز را عبور کردی؟  
 چرا در فلان مسئله کوتاهی کردی؟  
 باید از خودمان حساب بکشیم  
 شهید علی سیفی

خدا رحمت کند شهید علی سیفی این روحانی جوان را؛ یکی از دوستانش نقل می‌کند: علی یک شب منزل ما مهمان بود شب را همان جا خوابید. من صبح زود بعد از نماز، به ناوایی رفتم و تا طلوع آفتاب آمدنم طول کشید؛ متوجه شدم علی برای نماز بیدار نشده. وقتی خودش بیدار شد و متوجه شد خورشید طلوع کرده و نمازش قضا شده؛ وسایلش را برداشت و با حالتی قهرآمیز رفت. آن قدر حالش گرفته بود که نمی‌شد با او حرف زد. تا دو سه هفته از او خبر نداشتم و نمی‌دانستم کجاست. بعد یکی از بچه‌ها گفت که ایشان رفته و دو هفته پشت سرهم به خاطر آن نماز صبحش که قضا شده، روزه گرفته؛<sup>۱</sup>

.....  
 حساب کشی، آن هم برای یک مسئله‌ای که شاید بشود گفت در آن مقصر هم نبوده.

### مراحل سه‌گانه اخلاق

بزرگان دین با استناد به آیات و روایات شریف معصومین علیهم السلام توصیه‌های عملی را برای این حساب کشی از خود، به ما معرفی کرده‌اند که اکثریت بزرگواران با آن آشنا هستید و بیشتر، ما برای مرور خدمتتان عرض می‌کنیم؛

مرحله اولی که بیان کرده‌اند عنوانش: «مشارطه» است؛ یعنی انسان با خودش شرط بگذارد که کارهای نیک انجام دهد و از انجام کارهای بد پرهیزد؛<sup>۱</sup>

مرحله دوم «مراقبه» هست؛ یعنی اینکه انسان در طول شبانه‌روز مراقب خودش باشد که از آن شرطی که کرده تخلف نکند؛<sup>۲</sup>

مرحله سوم «محاسبه» هست که در روایات وجود نازنین پیامبر ﷺ و امام کاظم علیه السلام هم آمده بود؛ یعنی

---

۱. تهذیب نفس و سیروسلوک از دیدگاه امام خمینی، ص ۳۶۷

۲. همان

.....

انسان بعد از مشارطه و مراقبه، به حسابرسی اعمالش پردازد و ببیند که چه کرده؛ اگر عمل نیکی مرتکب شده سپاس گزار خدا باشد و از او توفیق انجام بیشترش را بخواهد و اگر عمل ناپسندی مرتکب شده، نفسش را سرزنش کند و توبه نماید و از خدا طلب آمرزش کند.<sup>۱</sup>

خیلی خوب پس ما باید مراقب باشیم و دائماً خودمان را مورد محاسبه قرار دهیم تا خدایی نکرده این روحیه ناپسند یعنی راحت طلبی و تن آسایی در ما رخنه نکند.

### چهار آزمون الهی

اما اجازه دهید در این جلسه من چهار آزمون الهی رو یادآور شوم که تا حدودی می‌تواند به ما کمک کند که خودمان را محک بزنیم تا اگر خدایی ناکرده این روحیه درون ما وجود داشته باشد آن را تشخیص دهیم و به داد نفسمان برسیم و قبل از



.....  
 آنی که مورد امتحان‌های سخت الهی قرار بگیریم،  
 خود رانجات دهیم.

## جهاد تبیین

یکی از آن آزمون‌های الهی امروز، مسئله جهاد تبیین است که مقام معظم رهبری آن را فریضه فوری معرفی کردند؛ یعنی هم واجب است و هم فوری؛ ما خیلی دم از آقا می‌زنیم اما متأسفانه این فریضه فوری آن‌چنان که باید جدی گرفته نشده؛ عمده کوتاهی‌ها در این زمینه را وقتی بررسی می‌کنیم ریشه در همین صفت مذموم راحت‌طلبی و تن‌آسایی دارد؛ شخص می‌گوید اگر از نظام دفاع کنم می‌گویند حتماً خودش یک کاره‌ای در این نظام هست و به تعبیری نفسش از جای گرم بلند می‌شود که دارد دفاع می‌کند، اینجاست که راحت‌طلبی او اجازه نمی‌دهد برای خودش دردسر ایجاد کند و لو آن دردسر مورد خطاب قرار گرفتن با

---

۱. بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای به آدرس:

این جمله باشد که: «نفسش از جای گرم بلند می‌شود»

این راحت‌طلبی اجازه نمی‌دهد ما برای دین هزینه شویم ولو در همین حد.

فراموش نکنیم، زهرای مرضیه علیها السلام که الگوی همه ما و شماست و این ایام هم متعلق به اوست خودش بهترین الگوی عرصه جهاد تبیین است که خطبه فدکیه او یک نمونه از این جهاد است.

### مصدق جهاد تبیین

حاج آقا سؤال، امروز مصداق جهاد تبیین که حضرت آقا از ما انتظار دارند چیست؟

سؤال خوبی هست؛ جهاد تبیینی که امروز به عهده ما هست دو مصداق مهم دارد؛

یکی اینکه اجازه ندهیم دشمن رژیم پهلوی را تطهیر و بزک کند و ما را از واقعیت آنها و آنچه بر سر این ملت و کشور آوردند که تا به امروز ما داریم تاوان آن را پس می‌دهیم، دور کند؛

و دیگری اینکه اجازه ندهیم خدمات بی‌نظیر این نظام نادیده گرفته شود؛ نمی‌خواهیم بگوییم کاستی‌ها و نقص‌ها را نادیده بگیریم، نه اما حتی در

.....

بیان نقص‌ها و کاستی‌ها هم باید به‌گونه‌ای عمل کنیم که خروجی‌اش اصلاح‌باشد نه ناامیدی؛ و در انجام این وظیفه نیازی نیست حتماً ما یک تریبونی در اختیار داشته باشیم؛ خیر؛ کار آسان‌تر از آن چیزی هست که فکرش را می‌کنیم. اگر قدری فکر کنیم ایده‌های خیلی خوبی به ذهنمان خطور می‌کند.

### راننده تاکسی

یه راننده تاکسی دیدم چه کار قشنگی کرده، عکس هاش توی فضای مجازی و اینترنت هست، می‌توانید ببینید؛ توی اینترنت جستجو کنید: «نخستین تاکسی کتابخانه‌ای» عکس هاش میاد بالا.

آقایی به نام مهدی کمال کاظمی، ایشان ماشینش رو به یک کتابخانه تبدیل کرده که پر است از کتاب‌های متنوع که مسافران را ترغیب به کتاب‌خواندن می‌کند. می‌گوید گاهی اوقات وقت ظهر چیزی برای ناهار نمی‌خرم و پول آن را برای

.....  
 خرید کتاب هزینه می‌کنم. این خودش یک نمونه  
 است برای این جهاد تبیین.

## فرزندآوری

یکی دیگر از آن آزمون‌های الهی امروز، مسئله  
 فرزندآوری است که باز مورد توصیه اکید حضرت  
 آقا است. مقام معظم رهبری از سال ۹۰ تا حالا در  
 بیش از ۳۰ سخنرانی خودشان مسئله فرزندآوری  
 را مورد توجه قرار داده‌اند. البته در این سخنرانی‌ها  
 خطاب آقا فقط با مردم نیست، اتفاقاً خود ایشان در  
 یکی از سخنانشان می‌فرمایند: «البته امروز در  
 کشور ما مردم گوش می‌کنند، حرفی ندارند؛ آن  
 کسانی که این حرف به آنها می‌رسد، حرفی ندارند و  
 گوش می‌کنند، منتها مسئولین میانی درست  
 عمل نمی‌کنند.»<sup>۱</sup>

بحث در مورد مسئله فرزندآوری مفصل هست و  
 مشکلات و موانعی هم که امروز بر سر راه این  
 مسئله وجود دارد بسیار است، منتها محور بحث

---

<sup>۱</sup>. بیانات رهبری در جمعی از زوج‌های جوان، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت

آیت‌الله خامنه‌ای به آدرس: /nk/f .i khl //t ps: ۳۳۱۵۳ht

.....  
 ما در این شب‌ها چیز دیگری است و بنده نمی‌خواهم در این بحث فرزندآوری ورود کنم؛ فقط از این باب که تن ندادن به فرزندآوری بسیاری مواقع ریشه در راحت‌طلبی دارد، می‌تواند یکی از آزمون‌هایی باشد که ما خودمون رو محک بزنیم.

خب چرا می‌گوییم که عدم فرزندآوری ریشه در راحت‌طلبی دارد؟ چون فرزندآوری نیاز به قبول مسئولیت دارد؛ نیاز به وقت گذاشتن و تربیت دارد. اینها با راحت‌طلبی و تن‌آسایی منافات دارد. به تعبیر دیگر مسئله فقط مشکلات مالی و تأمین مخارج فرزند نیست که عده‌ای می‌گویند آقا با این هزینه‌های بالا چه کسی دیگر می‌تواند فرزند بیاورد؛ باید عرض کنم ما منکر وضعیت موجود و تأثیرش بر فرزندآوری نیستیم اما عرضم این است که عدم فرزندآوری فقط ریشه در مسائل مالی ندارد. جالب اینجاست که اتفاقاً نرخ فرزندآوری در اقشار مرفه پایین‌تر است. یک آماری را می‌خواندم از «مسئول دبیرخانه کمیته فرهنگی قرارگاه جمعیت وزارت بهداشت» که ایشان می‌گوید: «در سال ۱۴۰۰ که پایین‌ترین نرخ تولد را تجربه کردیم از

.....  
 میان ١٠ دهک جامعه، سه دهک بالا که به لحاظ اقتصادی مرفه قلمداد می‌شوند دارای کمترین تعداد تولد و ٤ دهک پایین جامعه بیشترین موالید را داشته‌اند»<sup>١</sup>

### امر به معروف و نهی از منکر

از دیگر آزمون‌هایی که ما به واسطه آن می‌توانیم خودمون رو محک بزنینم که آیا این روحیه راحت‌طلبی در درون ما رخنه کرده یا نه؛ انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر است؛ واجبی که امیرالمؤمنین در مورد آن فرمودند:

«وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَثَةٌ فِي بَحْرِ لَجِيٍّ»؛ (تمام کارهای نیک و (حتی) جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر، چون دمیدنی است به دریای پر موج پهناور.)

ما چقدر امروز به این تکلیف بزرگ الهی عمل می‌کنیم؟

---

١.سایت باشگاه خبرنگاران جوان به آدرس:

<http://www.yjc.ir/00.Y9dU>

.....

تعبیر حضرت آقا در مورد امر به معروف و نهی از منکر، واجب فراموش شده است؛ گویی این واجب به دست فراموشی سپرده شده. ان شاء الله در مورد این مهم جلسات آینده بیشتر سخن خواهیم گفت.

### نصرت نیازمندان

اما آخرین آزمونی که در این جلسه معرفی می‌کنیم، نصرت نیازمندان و یاری رساندن به آنها است. وجود نورانی امام کاظم علیه السلام فرمودند:

الامام کاظم علیه السلام: اِنَّ خَوَاتِمَ اَعْمَالِكُمْ قِضَاءُ حَوَائِجِ اِخْوَانِكُمْ وَالْاِحْسَانِ اِلَيْهِمْ مَا قَدَّرْتُمْ وَ اَلَا لَمْ يَقْبَلْ مِنْكُمْ عَمَلٌ. «بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۷۹»

همانا مهر قبول اعمال شما، برآوردن نیازهای برادرانتان و نیکی کردن به آنان در حد توانتان است والا (اگر چنین نکنید)، هیچ عملی از شما پذیرفته نمی‌شود.

این نصرت نیازمندان یاری رساندن به آنها مصداق‌های متعددی دارد از انفاق گرفته تا ایجاد و تقویت گروه‌های جهادی که به یاری خدا در مورد

.....  
این آزمون هم در جلسات بعد مفصل صحبت خواهیم کرد. یک مصداق آورده شود

همة این موارد آزمون‌هایی هست که ما می‌توانیم به واسطه آنها خودمان را محک بزنیم، ضمن اینکه هر کدام از اینها به تنهایی خود وظیفه‌ای است که خدای تبارک و تعالی به عهده ما گذاشته و مادر قبال هر کدام از این وظیفه‌ها مسئولیم. امیدواریم که خدای متعال به ما توفیق بدهد که بتوانیم جبهه حق و امام حق را به احسن وجه یاری کنیم و دینمان را نسبت به معصومین علیهم السلام که حق زیادی به گردن ما دارند ادا کنیم.

فراموش نکنیم که در راستای نصرت و یاری اهل بیت آنچه که جنبه تأثیرگذاری و آثار امور دینی ما بیشتر می‌کند عنایات الهی و توسل حقیقی به ذوات مقدسه اهل بیت است.

## روضه

خدا را شاکر و سپاس گذاریم که بر ما منت گذاشت و توفیق شرکت در مجلس عزای مادر سادات نصیب ما شد. به قصد توسل و عرض ارادت و برای



.....  
 جلب نظر مادر سادات فراهایی از زیارت نامه  
 حضرت زهرا علیها السلام رو با هم مرور کنیم و عرضه بداریم؛  
 یا فاطمة الزهراء علیها السلام، ای پاره قلب پیامبر صلی الله علیه و آله، به نگاه  
 مادرانه خود گوشه چشمی به ما کنید تا در انجام  
 امور دینی با همت مضاعف قدم برداریم.

السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا  
 سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ،  
 السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ وَ خَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ  
 رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله؛

سلام بر بانویی که حلقة وصل رسالت و ولایت بود.  
 سلام بر بانویی که حامی رسالت و ولایت بود.

السلام ای ماورای عقل و افکار

السلام ای شاهکار دست دادار

تو بالاتر ز بالا برترینی

تو هر شب با خدایت همنشین

پیمبر را بهشت جاودانی

تو محبوب تمام عرشیانی

نقل شده فاطمه زهرا علیها السلام به حدی محبوب پیامبر صلی الله علیه و آله بود که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله از مدینه خارج می شد آخرین نفری که رسول خدا صلی الله علیه و آله با اون خدا حافظی می کرد زهرا علیها السلام بود؛ وقتی هم به مدینه برمی گشت اولین نفری که پیامبر صلی الله علیه و آله به دیدارش می رفت زهرا علیها السلام بود. اگه بگم پیامبر صلی الله علیه و آله و زهرای مرضیه علیها السلام تحمل دوری هم رانداشتند گزاف نگفته ام؛

اگر احمد به تو اکرام می کرد

دلش را نام تو آرام می کرد

اگر گل بوسه از روی تو می چید

خدا را در دو چشمان تو می دید

زهرا علیها السلام چه شأن بالایی داره که پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی نگاه به زهرا علیها السلام می کند دلش آرام می شود.

اگر حال دلت خوب نیست، اگر بی قراری، اگر پریشانی، امشب وقتش هست که دل بسپاری به

.....  
 زهرای مرضیه علیها السلام؛ نام و یاد زهرای مرضیه روح  
 انسان را جلا می‌دهد، قلب انسان را آرام می‌کند.

پیامبر صلی الله علیه و آله در بستر بود، روزهای پایانی عمر مبارک  
 حضرت بود. نمی‌توانستند پیامبر صلی الله علیه و آله را گوشه بستر  
 بینند. علی و زهرا علیها السلام و بچه‌ها دل تو دلشان نبود.  
 ناراحت و غمگین از این حال پیامبر بودند. نقل  
 شده پیامبر صلی الله علیه و آله به سختی اشاره کرد به زهرای  
 مرضیه علیها السلام تا مطالبی به او بگوید. بعد از شنیدن  
 سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله زهرای مرضیه علیها السلام گریه‌هایش  
 بیشتر شد و ناگهان بین گریه‌هایش لبخند  
 کوتاهی به لبش نشست و دوباره به گریه کردن  
 ادامه داد. علت را از زهرای مرضیه علیها السلام جویا شدند؛  
 حضرت زهرا فرمود: پدرم به من گفت زهرا علیها السلام جان  
 تو اولین شخص از خانواده من هستی که به من  
 ملحق خواهی شد. خوشحال شدم که بین من و  
 پدرم خیلی جدایی نیست.

.....  
 درسته؛ زهرای مرضیه علیها السلام خیلی زود به پدر عزیزش  
 ملحق شد؛ اما دل‌ها بسوزد و جان‌ها به تلاطم  
 بیفتد از این مصیبت بزرگ؛

من با شعر ادامه میدم و مصیبت را براتون بازگو  
 می‌کنم:

روان بود به بیت علی علیه السلام شرر بزنند  
 نمک به زخم جگرهای شعله‌ور بزنند  
 حرامیان همه با قصد شوم آمده‌اند  
 که از کبوتر این خانه بال و پر بزنند  
 مگر نه اینکه به عرف و ادب در این عالم  
 بنا شده است که قبل از ورود در بزنند  
 کجاشنیده کسی با هجوم و دادزدن  
 به خانه‌ای که عزادار گشته سر بزنند  
 خدا کند سر مردی نیاید این غم که  
 به قصد کشت، زنش را چهل نفر بزنند

.....  
 یک وقت ناله زهرای مرضیه علیها السلام از پشت در خانه  
 بلند شد

فَنَادَتْ يَا أَبَتَاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَهْكَذَا كَانَ يَفْعَلُ  
 بِحَبِيبَتِكَ وَأَبْنَتِكَ ثُمَّ نَادَتْ يَا فِضَّةُ خُذِي

ای پدرم یا رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بین با حبیبه تو و دختری  
 چه کردند؟! سپس ناله ای زد و فرمود: ای فضا! مرا  
 دریاب

بگویم و تمام کنم؛ مادر من و شما از شدت ضربات  
 و صدمات بعد از بیان این جملات پشت در خانه  
 بیهوش شد و افتاد.

وامصیبتاه

لا حول ولا قوة الا بالله

## جلسه دوم

## موضوع

راحت طلبی مانعی بر سر راه انجام وظیفه و لاء  
طرفینی

---

## انگیزه‌سازی

### بنای استوار

هر کدام از ما وقتی می‌خواهیم خانه‌ای را بنا کنیم؛ حتماً ستون‌ها و پایه‌های آن را محکم می‌کنیم؛ مخصوصاً اگر خانه بخواهد به صورت مهندس ناظری بنا شود؛ اگر هنگام ساخت منزل این پایه‌ها و ستون‌ها خوب بنا نشود مهندس ناظر ایراد می‌گیرد و از شما می‌خواهد که اشکالات را برطرف کنید؛ واقعاً هم مهم هست چون این ستون‌ها هستند که بار اصلی خانه را به دوش می‌کشند و اگر اتفاقی برای این ستون‌ها بیفتد منجر به ویرانی این خانه می‌شود.

## اقناع اندیشه

### ندای ولایت

وجود نازنین امام باقر علیه السلام در روایتی دین را به منزله خانه‌ای دانسته‌اند که با پنج ستون محکم و استوار بنا شده؛ ایشان می‌فرمایند:

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ»؛ (اسلام روی پنج پایه نهاده شده)؛

«الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ»؛ (نماز و زکاة و روزه و حج و ولایت)؛

اگر می‌خواهید پایه‌های اسلام را بشناسید؛ اینها پایه‌های اسلام هستند که دین به وسیله آنها استوار شده. بعد حضرت نکته‌ای را اضافه کردند که بسیار قابل توجه هست. حضرت می‌فرماید یکی از این ستون‌ها از همه مهم‌تر است؛ مرکزیت دارد این ستون؛ فرمودند:



«وَلَمْ يَنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ.»<sup>۱</sup> (و چنان که برای ولایت فریاد زده شد، برای هیچ چیزی دیگر فریاد زده نشد.)

این جایگاه ولایت نسبت به نماز؛ زکات، روزه و حج است. آن بانویی که در این شب‌ها ما در سوگ او نشستیم فدای این ستون حیاتی اسلام شده است. چه دیده است بانوی عصمت در ولایت که این‌گونه در راهش پیر می‌شود؟!

اگر نبود مگر همین شهادت زهرای اطهر ع در راه ولایت، کافی بود تا ما به عمق این مهم‌پی ببریم.

شاید کم‌لطفی باشد در این شب‌های شهادت حضرت ما سخنی از ولایت نگوییم در حالی که ایشان شهیده این راه بابرکت و پرفیض است.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸.

## ولایت کلان نظریه سیاسی - اجتماعی تشیع

وقتی روایات پیرامون این موضوع ولایت را در مکتب تشیع مطالعه می‌کنیم متوجه می‌شویم که مسئله ولایت در حقیقت آن کلان نظریه سیاسی - اجتماعی تشیع است.<sup>۱</sup>

در مورد اهمیت این موضوع کم‌وبیش همه ما آگاهی داریم و شنیده‌ایم؛ اما آنچه که کمتر در مورد آن بحث شده، سخن پیرامون گستره و پهنای این موضوع است، وقتی می‌گوییم ولایت دقیقاً منظورمان چیست؟ طول و عرض این ولایت کجاست؟

شما می‌بینید افرادی که دائماً از ولایت دم می‌زنند و خود را سینه‌چاک آن می‌دانند، اگر از همین‌ها سؤال شود این ولایتی که شما می‌گویید دقیقاً چیست و طول و عرضش کجاست؟ پاسخ خواهند داد که طول عرض ولایت؟! مگر ولایت طول و عرض

<sup>۱</sup>. برگرفته از جزوه ولاء طرفینی استاد قنبریان

.....  
 هم دارد؟ متأسفانه برداشت و نگاه به ولایت در بین عموم مؤمنین یک برداشت ابتدائی و سطحی است.

نگاه سطحی به مسئله ولایت به عنوان ستون مرکزی دین، به عنوان مهمی که زهرا علیها السلام فدایی اش هست، نمی تواند آن نقش پایه ای را که این مهم دارد در جامعه محقق کند. آن ولایتی کارساز است که با همه گستره اش تبیین و شناخته شود و در متن جامعه پیاده گردد تا جامعه و افراد را به سمت آن فلاح و رستگاری که مورد نظر دین است رهنمون شود.

بجاست ما از پهنه و گستره ولایت سخن بگوییم؛ من خواهشم این است که برای شنیدن این بحث خوب دل دهید؛ اینها حرف هایی هست که نباید به راحتی از کنار آن عبور کرد و ممکن است در مجالس دیگری نشنوید؛ پس همه حواسمان اینجا باشد که بتوانیم پای سفره دین در مجلس زهرا علیها السلام مرضیه نهایت بهره را ببریم.

## گستره ولایت

باید گفت ما دو گونه ولایت داریم: ولایت طولی و ولایت عرضی.

## ولایت طولی

ولایت طولی همان ولایت از بالا به پایین هست؛ ولایت خدا، پیامبرانش، ائمه معصومین و در نهایت ولایت فقیه بر عموم مردم؛ «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»؛ اما بیشتر با این قسم آشنایی داریم. این ولایت یک طرفه است؛ اولیاء حکمرانی می‌کنند و عموم می‌بایست مطیع باشند تا مسیر سعادت را طی کنند.

اگر این ولایت در جامعه به صورت کامل تحقق پیدا کند جامعه و افراد طعم خوش زندگی و در ادامه سعادت‌مندی در آخرت را خواهند چشید. این که حضرت زهرا علیها السلام اصرار دارند؛ خطبه می‌خوانند؛

.....  
 اظهار ناراحتی می‌کنند؛ گلایه می‌کنند؛ برای این است که سعادت جامعه و افراد آن در گرو پذیرش این ولایت است.

این ولایت طولی همچون یک سکه دو رو دارد. یک روی سکه ولایت، اطاعت است که می‌بایست از ناحیه مردم اتفاق افتد تا همان فلاح محقق شود؛ اما روی دیگر آن ضمانت است که می‌بایست از ناحیه حاکم محقق شود. همان‌گونه که مردم موظف هستند از حاکم اطاعت کنند و فرمان ببرند، متقابلاً حاکم هم نسبت به آن‌ها وظایفی را به عهده دارد؛ فقط چشم گفتن نیست؛ فقط بله قربان گفتن نیست؛ ضمانت هم از ناحیه ولی هست.

خب این اجمالی از ولایت طولی که البته کم و بیش با آن آشنایی داریم هر چند بین دانستن و عمل کردن فاصله بسیار است؛ آنهایی هم که زمان زهرای مرضیه ع بودند نه اینکه ناآشنای با ولایت باشند؛ آنچه پیامبر ص در غدیر انجام داد مسئله را برای

.....  
 همه روشن کرد؛ بلکه نمی‌خواستند به آن تن دهند.

### ولایت عرضی

اما ولایت عرضی؛ ولایت عرضی ولایت مؤمنین بر یکدیگر است؛ یعنی همان‌گونه که پیامبر و امام معصوم بر مردم ولایت دارند و این ولایت حقوق و تکالیفی را به دنبال دارد؛ چنین رابطه‌ای بین مؤمنین هم برقرار است.

\_ حاج آقا مگر می‌شود؟ ولایت مخصوص ائمه معصومین است. غیر از امام معصوم کس دیگری صلاحیت ولایت داشتن ندارد. آیا مقصود شما ولایت فقیه است؟

+ خیر؛ ولایت فقیه در چارچوب همان ولایت طولی قرار دارد. اینجا مقصود ما ولایت متقابل و طرفینی تک تک مؤمنین بر یکدیگر است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ

.....  
 بَعْضٍ» (مردان و زنان باایمان، ولیّ (و سرپرست و  
 یاور) یکدیگرند)

\_ حاج آقا چرا مسئله رو پیچیده می‌کنید، شاید آیه  
 می‌خواهد بگوید که مؤمنین باید با یکدیگر  
 دوست و مهربان باشند. نه اینکه واقعا نسبت به  
 هم ولایت به آن معنای خاص را داشته باشند.

+ خیر، این ولایت فقط دوستی نیست. در ادامه آیه  
 می‌فرمایند: «يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ  
 الْمُنْكَرِ»؛ این مؤمنانی که بر یکدیگر ولایت دارند،  
 همدیگر را امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.  
 امر و نهی کردن کار هر کسی نیست، هر کسی این  
 اجازه را ندارد. اما ولیّ به معنای سرپرست حق  
 امر و نهی کردن دارد. پس معنای این ولایت، چیزی  
 بیشتر از دوستی است.

.....  
 \_ حالا بفرمایید کدام یک از مؤمنان بر دیگران ولایت دارند؟ کسانی که باتقواتر هستند؟ یا کسانی که عالم‌ترند؟

+ خیر، همه مؤمنان بر یکدیگر ولایت دارند. به گفته مفسرین قرآن این گونه نیست که فقط بعضی بر بعضی دیگر ولایت داشته و بعضی از مؤمنین فاقد مقام ولایت باشند؛ خیر، همه افراد جامعه متقابلاً بر یکدیگر ولایت دارند؛ یعنی ولایت دو طرفه است؛ رفت و برگشتی است. شما بر کنار دستی خود ولایت دارید و کنار دستی تان، بر شما.

شاهد آن هم همان عبارت «يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» است. امر به معروف و نهی از منکر که یک واجب همگانی است به عنوان ویژگی این مؤمنان معرفی شده. اگر ولایت

---

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۳۳۸.



.....  
 همگانی نبود، وجوب امر به معروف هم همگانی نبود.

\_ این ولایتی که مؤمنین بر یکدیگر دارند، دقیقاً چه تکالیفی را بر دوش آنها می‌آورد؟ آیا فقط همان امر به معروف و نهی از منکر است.

+ امشب و فردا شب مفصل درباره دو مصداق و دو جنبه ولایت عرضی سخن خواهیم گفت.

ببینید آنچه تا کنون بیشتر درباره اش سخن گفته و شنیده‌اید پیرامون ولایت طولی بوده، آن هم نه با همه ابعادش؛ ولایت عرضی که عموماً مورد غفلت واقع شده و برای مردم خوب تبیین نشده. ما و شما بر یکدیگر ولایت داریم که این ولایت برای ما مسئولیت ایجاد می‌کند، تکلیف ایجاد می‌کند.

جنبه‌های ولایت عرضی

باید گفت این ولایت هم همچون ولایت طولی، دو رو دارد؛ یکی حمایت و نصرت و یکی نصیحت و

.....  
 هدایت؛ یعنی شما به عنوان ولی کناردستی  
 خودتان دو وظیفه دارید؛

۱) تصحیح، هدایتگری، نصیحت، امر به معروف  
 ونهی از منکر؛

۲) حمایت، نصرت، همدلی و اخوت؛

ما در قاموس اسلام به من چه و به تو چه نداریم؛  
 ولایت عرضی در همین یک جمله جمع شده؛ وقتی  
 مؤمنین نیاز به حمایت، همدلی و نصیحت دارند  
 تو نمی توانی بگویی به من چه! از سوی دیگر اگر  
 مؤمنین به تصحیح رفتار و نصیحت و  
 امر به معروف و نهی از منکر محتاجند نمی توانند  
 بگویند به تو چه!

شما بر آنها ولایت دارید و متقابلاً آنها نسبت به  
 شما.

پس شاعر به انحراف رفته که سروده:

من اگر کافرو بی دین و خرابم؛ به تو چه؟

من اگر مست می و شرب و شرابم؛ به تو چه؟

.....  
 تو اگر غرق نمازی، چه کسی گفت چرا؟

من اگر وقت اذان غرقه به خوابم؛ به توجه؟

تو اگر لایق الطاف خدایی، خوش باش

من اگر مستحق خشم و عتابم؛ به توجه؟

باید با استناد به ولایتی که خدای متعال برای هر یک

از ماها قرار داده به او پاسخ بدهیم:

کفرو بی دینی ات ای یار، به ما مربوط است

بشنو این پند گهر بار، به ما مربوط است.

تو که بالهو و لعب در پی مستی هستی

می کنی جمع، گرفتار، به ما مربوط است.

بی خیالت بشوم، بارش طوفان بلا

می رسد از در و دیوار، به ما مربوط است.

آنچه آمد به سر طایفه نوح نبی

می شود واقعه تکرار، به ما مربوط است

.....

گرتو سوراخ کنی کشتی این جامعه را  
می شود غرق به ناچار، به ما مربوط است

### بی مرزی ولایت عرضی

خدا به دوش همه ما این مسئولیت سنگین  
ولایت را قرار داده و ما را مکلف به انجام آن کرده و  
فردای قیامت از همه ما نسبت به ادای این تکلیف  
سؤال خواهد شد؛ و در این وظیفه طرفینی همه ما  
مشترکیم؛ و انجام این وظیفه محدود به زمان و  
مکان خاصی نشده؛ چرا که اصلاً اسلام و مسلمانی  
مرز ندارد؛ برخی تصورشان این است که ما در این  
وظیفه مسلمانی فرض بفرمایید تا کرمانشاه یا تا  
هرمزگان که مناطق مرزی ایران است وظیفه  
داریم؛ دیگر بعد از این مرزها وظیفه ای به دشمنان  
نیست و ولایت از ما برداشته شده؛ لذا تا می گوییم  
ما نمی توانیم نسبت به برادران مسلمان خود در  
غزه بی تفاوت باشیم می گویند غزه و فلسطین چه  
ربطی به ما دارد؟! گویی مسلمانی ما محدود به

.....  
 مرزهای کشور است؟ این گونه اسلام و مسلمانان را  
 فهمیده ایم؟!

### راحت طلبی؛ مانع تحقق ولاء طرفینی

خب تا کنون از این وظیفه سخن گفتیم و سعی  
 کردیم قدری با گستره ولایت آشنا شویم.

قاعدتاً بر سر راه تحقق این تکلیف و انجام این  
 وظیفه موانعی وجود دارد که نمی گذارد ما به این  
 وظیفه تن دهیم، پس بجاست که قدری پیرامون  
 موانع تحقق ولاء طرفینی که از آن سخن گفتیم  
 صحبت کنیم.

باید گفت یکی از موانع جدی و مهم بر سر راه تحقق  
 این وظیفه الهی، وجود روحیه مذموم راحت طلبی  
 است؛ همان روحیه ای که شب گذشته پیرامون آن  
 سخن گفتیم؛ روحیه ای که خشم زهرای مرضیه علیها السلام  
 را برانگیخت و موجبات اظهار گلایه بانو از اصحاب  
 پیامبر صلی الله علیه و آله را فراهم کرد؛ همان روحیه ای که سبب  
 گردید تا جبهه حق یاری نشود و امام حق تنها

.....

بماند؛ این مانع جدی بر سر راه تحقق ولایت، همان روحیه ناپسند راحت‌طلبی است. راحت‌طلبی است که به مامی گوید دیگران به توجه ربطی دارند؛ تو فکر خودت باش؛ تو مشکلات خودت را حل کن؛ تو مراقب کلاه خودت باش تا باد نبرد؛ شیطان هم که نقش خود را خوب حفظ است و می‌داند این جا چگونه باید وارد میدان شود؛ دائم القا کند که تو خودت مشکل داری، گرفتاری داری، زندگی داری، زن و بچه داری؛ دیگران چه ربطی به تو دارند؟

## پرورش احساس

## وسوسه شیطان

مراقب باشیم؛ نکند فریب این وسوسه‌های شیطان بیرون و درون را بخوریم؛ نکند شیطان درون ما یعنی هوای نفس به ما غلبه پیدا کند. عاشقان راه زهرا علیها السلام؛ نقشة شیطان را نقش بر آب کنیم؛ اجازه ندهیم این دشمن‌های پلید ما را از

.....  
انجام وظیفهٔ سنگینی که خدا به دشمنان نهاده؛  
یعنی ولایت، باز دارد.

عاشقان زهرایی علیه السلام ما اگر نتوانیم بر این روحیه  
غلبه پیدا کنیم و آن را کنار بزنیم، ولایتی که مادرمان  
زهرای مرضیه علیه السلام برای آن جان فشانی کرد و در این  
ایام در سوگ او نشسته ایم؛ آن ولایت تحقق پیدا  
نمی‌کند و به بار نمی‌نشیند.

عجیب این روحیه راحت‌طلبی انسان را از حرکت  
باز می‌دارد؛ می‌بینی در صحنه نیاز به نصرت و یاری  
تو هست؛ می‌بینی هم‌نوعانت محتاج یاری تو  
هستند؛ می‌بینی کار از دست تو برمی‌آید؛ می‌بینی  
زبان تو، بیان تو اثر دارد؛ می‌بینی امر تو، نهی تو  
کارساز است اما نمی‌توانی از جای خود برخیزی و به  
وظیفهٔ خود که خدا با ولایت دادن به تو بر دوش  
نهاده، عمل کنی؛ گویی تو را به زمین می‌خکوب  
کرده‌اند. همین‌جا بود که زهرای مرضیه علیه السلام بر  
خواست و قیام کرد و آنها را از داشتن این روحیه  
مطلع کرد و بر حذر داشت و فرمود:

.....  
 «إِلَّا وَقَدَّارِي إِنْ قَدْ إِخْلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ»؛ آگاه باشید!  
 همانا می بینم که به آسایش و زندگی راحت رغبت  
 یافته؛

«وَأَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَالْقَبْضِ وَإِغْوَاهُمْ  
 عَلَيْهِ»؛ و کسی را که به اداره و تدبیر امور از همگان  
 سزاوارتر است، از منصب زمامداری دور کرده‌اید؛  
 اما گویی راحت طلبی در وجود آنها رخنه کرده بود.

### حدیث سلمان

روایت حزن آلودی است آنچه سلمان نقل می‌کند؛  
 دل انسان را پیراز دردمی‌کند؛ سلمان می‌گوید:

«هنگام شب، حضرت علی علیه السلام، حضرت زهرا علیها السلام را  
 سوار بر چهارپایی نمود و دست دو پسرش امام  
 حسن و امام حسین علیهما السلام را گرفت، و هیچ یک از اهل  
 بدر از مهاجرین و انصار را باقی نگذاشت مگر آنکه  
 به خانه هایشان آمد و حق خود را بر ایشان یادآور  
 شد و آنان را برای یاری خویش فراخواند، ولی جز



چهل و چهار نفر، کسی از آنان دعوت او را قبول نکرد.»

یعنی از این همه اصحاب پیامبر ﷺ از بین مهاجرین و انصار فقط چهل و چهار نفر حاضر شده اند امام حق را یاری کنند؛ چه تأسف برانگیز و دردآور! خب حالا ببینیم از بین این چهل و چهار نفر، چه تعدادی مردم میدان هستند؛

«حضرت به آنان دستور داد هنگام صبح با سرهای تراشیده و درحالی که اسلحه هایشان را به همراه دارند بیایند و با او بیعت کنند که تا سر حد مرگ استوار بمانند.»

به نظرتان از این چهل و چهار نفر چند نفر آمدند؟  
«وقتی صبح شد جز چهار نفر کسی از آنان نزد او نیامد.»

بله تنها چهار نفر حاضر شدند راحت طلبی و تن آسایی را کنار بگذارند و علی و زهرا علیهم السلام را یاری کنند.

.....  
 «سلیم هلالی می گوید: به سلمان گفتم: آن چهار نفر چه کسانی بودند؟ گفت: من و ابوذر و مقداد و زبیر بن عوام.»

بعد سلمان فرمود: «امیر المؤمنین علیه السلام در شب بعد هم نزد آنان رفت و آنان را قسم داد. گفتند: «صبح نزد تو می آییم». ولی هیچ یک از آنان غیر از ما نزد او نیامد»<sup>۱</sup>

ای چه بسا اگر آنها قیام می کردند و علی علیه السلام را یاری می کردند و به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر خود در برابر غاصبان خلافت عمل می کردند صحنه عوض می شد و ورق برمی گشت چنان که خود امام علی علیه السلام هم در روایت به این موضوع تصریح کردند و فرمودند:

«قسم به کسی که دانه را شکافت و مردمان را خلق کرد اگر روزی که با ابوبکر بیعت شد. که تو (اشعث) به خاطر آن بر من عیب می گیری. چهل سرباز

---

<sup>۱</sup>. سلیم بن قیس هلالی، اسرار آل محمد، ص ۲۲۱.

.....

داشتم که هر کدام بینش آن چهار نفر را که یافته  
داشتند، به طور قطع دست خود را کوتاه نمی نمودم  
و در مقابل این قوم می ایستادم؛ ولیکن من  
پنجمی پیدا نکردم؛ پس خود را نگاه داشتم»  
اینجا اشعث سؤال می کند:

«این چهار نفر چه کسانی بودند یا امیر المؤمنین؟  
فرمود: سلمان و ابوذر و مقداد و زبیر بن صفیه  
پیش از شکستن بیعت من»<sup>۱</sup>

بله آنها سکوت کردند و اتفاق افتاد آنچه نباید  
اتفاق می افتاد ریل حرکت قطار تاریخ از مسیر خود  
منحرف شد؛

و جامعه‌ای گمان نکند که اگر به تن آسایی و  
راحت طلبی تن داد و از زیر بار مسئولیت شانه  
خالی کرد، و به بهانه‌های واهی به وظیفه  
امربه معروف و نهی از منکر خود عمل نکرد روی  
آسایش را خواهد دید؛ خیر این گونه نیست؛

---

<sup>۱</sup> سلیم بن قیس هلالی، اسرار آل محمد، ص ۳۲۳.

.....  
 امیرالمؤمنین در نهج البلاغه کلام قابل تأملی دارند. ایشان می‌فرمایند:

«لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُؤَلَّى عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ، ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ»؛  
 (امر به معروف و نهی از منکر را ترك نکنید که اشرار بر شما مسلط خواهند شد سپس هر چه دعا کنید مستجاب نمی‌گردد).<sup>۱</sup>

## رفتار سازی

### واجب فراموش شده

واقعاً ما چقدر به این وظیفه ولایی امر به معروف و نهی از منکر خودمان عمل می‌کنیم؛ واجبی که امیرالمؤمنین در وصف آن فرمودند:

«وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلِّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، إِلَّا كَنْفُتَةٌ فِي

---

<sup>۱</sup> نهج البلاغه؛ نامه ۴۷.

.....  
 بَخْرُ لَجِيٍّ<sup>۱</sup>! (همه کارهای خوب و جهاد در راه خدا، در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر نیست مگر همچون قطره آبی در برابر دریای موج).

واجبی که رهبری از آن به عنوان واجب فراموش شده اسلام یاد کردند.<sup>۲</sup>

اگر خروجی این جلسه ما در این شب از ایام شهادت زهرای مرضیه علیها السلام فقط همین باشد که ما مصمم شویم برای انجام این تکلیف الهی یقین بدانید دل زهرای مرضیه علیها السلام رابه دست آورده ایم.

و اتفاقاً انجام این وظیفه می تواند تمرینی باشد برای کنارزدن روحیه راحت طلبی که بعضاً دامن گیر ماست.

---

<sup>۱</sup>. نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴.

<sup>۲</sup>. بیانات در دیدار در دیدار مردم قم، ۱۹ دی ۱۳۶۸ به آدرس:

/nk/f/.i.khl://t ps ht ۲۲۴۷

## دو تصور ناصحیح

وقتی بررسی می‌کنیم می‌بینیم یکی از موانع جدی که امروز در جامعه ما سبب شده این مهم روی زمین بماند، تصور ناصحیح ما نسبت به امر به معروف و نهی از منکر است؛ هم نسبت به انجام آن و هم نسبت به نتیجه آن.

امر به معروف کارمانیست!

تصور می‌کنیم امر به معروف و نهی از منکر عملیاتی نیست؛ یعنی کاری نیست که از دست ما بر بیاید.

می‌گوییم ما که زبان شیوایی نداریم؛ استدلال کردن بلد نیستیم؛ علم کافی نداریم؛ اگر طرف مقابل حرفی زد چه جوابی به او بدهیم؟!

امر به معروف که به معنای بحث و مناظره علمی و استدلال کردن و سخنرانی نیست.

امر به معروف مراتب و مراحل دارد.

.....  
 یک مرحله، مرحله قلبی است. یعنی همه مؤمنین  
 موظف‌اند در قلب خود، نسبت به وقوع منکر  
 ناراحت و نگران و خشمگین باشند.

مرحله بعد مرحله زبانی و جوارحی است. یعنی شما  
 باید ناراحتی و مخالفت خود را ترک معروف یا انجام  
 منکر را آشکار کنید.

- آشکار کردن مخالفت، گاهی با یک اخم است.  
 گاهی با یک لبخند.
- گاهی با بی توجهی و روی گردانی است و گاهی با  
 توجه کردن و بهادادن به شخص گناهکار.
- گاهی هم با بیان یک جمله کوتاه است.

نهایتاً همین مقدار کافی است که به طرف مقابل  
 بگوییم، برادر عزیز رشوه حرام است؛ راه انداختن  
 کار ارباب رجوع و وظیفه شماست؛ نماز واجب  
 است؛ حجاب دستور خداست؛ روزه خواری حرام  
 است؛ همین را بگویید و رد شوید. لازم نیست  
 استدلال بیاورید، لازم نیست سخنرانی کنید، لازم

.....  
 نیست جواب بی احترامی طرف را بدهید. با همین  
 یک جمله تکلیف از گردن ما ساقط می شود.

و چه بسا اگر پارافراتر بگذاریم، مرتکب خلاف شرع  
 شوید. شرع کجا به ما اجازه داده که با گناهکار  
 دست به یقه بشویم و فحاشی کنیم و خدایی نکرده  
 کتک کاری راه بیندازیم؟

امر به معروف اثر ندارد!

تصور اشتباه دیگر این است که می گوئیم:

خب حاج آقا من تذکر دادم، بعدش چه؟ با گفتن من  
 شخص گناهش را ترک می کند؟ حجابش را درست  
 می کند؟ نماز خوان می شود؟

گمان می کنیم این تذکر ما نتیجه ندارد؛ این هم  
 تصور اشتباهی هست؛ در جلسه ای یکی از اساتید  
 داد می زد و از سوز دل می گفت: من همه درد و  
 ناله ام برای این است که من خودم شخصاً تجربه  
 کرده ام؛ از صد تذکری که در امر حجاب داده ام، نود و  
 پنج مورد فی المجلس اثر گذاشته و شخص



.....

حجابش را درست کرده و تنها در چهار مورد بی توجهی شده؛ و فقط تنها یک مورد بود که گفت دلم می خواهد؛ آن وقت مامی گوییم امر به معروف و نهی از منکر اثر ندارد؛

این یک تجربه فردی بود. اما مرکز مطالعات فرهنگی تیام، یک مصاحبه‌ای انجام داده با خانم‌های بی حجاب؛

در این مصاحبه‌ها، ۴۴/۸ درصد اعلام کرده‌اند که اگر به آنها تذکر مؤدبانه داده شود استقبال می‌کنند و ۲۷/۷ درصد اعلام کرده‌اند نظری ندارند، یعنی نمی‌دانند چه واکنشی خواهند داشت و حدود ۲۷/۵ درصد دیگر گفته‌اند ما به تذکرات گوش نمی‌دهیم. بر اساس این آمار، مشخص می‌شود که احتمال تأثیر گذاری که یکی از شروط امر به معروف و نهی از منکر است، در چنین موردی وجود دارد.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup>.سایت مرکز مطالعات فرهنگی تیام:

.....

بر فرض اگر یک تذکر ما به تنهایی اثری بر شخص گناهکار نداشته باشد و واکنش مثبتی نشان ندهد، بادو تذکر، سه تذکر و ده تذکر دیگر به مرور خودش را تحت «فشار اجتماعی» می بیند و رفتارش را در جامعه تغییر می دهد.

نظریه «فشار اجتماعی» در جامعه شناسی به زبان ساده می گوید گاهی اوقات افراد جامعه تحت تأثیر فرهنگ، رسانه و دیدگاه های اطرافیان شخصیت و رفتار خودشان را تغییر می دهند حتی اگر اعتقادی به آن رفتار نداشته باشند. تذکرات پی در پی تولید این تأثیر را در رفتار شخص ایجاد می کند. وقتی کارمند اداره ببیند در برابر رفتار غلطش، یک نفر، دو نفر، سه نفر به او تذکر داده اند، دیگر مراقبتش زیاد می شود و از ترس تذکرها و فشارها رفتارش را اصلاح می کند.

به هر حال تذکر اثر دارد؛ اگر اثر نداشت قرآن نمی فرمود: «وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ»<sup>۱</sup> اما

---

<sup>۱</sup>.سوره ذریات آیه ۵۵

.....

باید به این باور و یقین برسیم که تذکر ما اثر دارد و شاید این جز با تجربه شخصی برای ما اثبات نشود. بیایم امتحان کنیم؛ از امروز تصمیم بگیریم این ذهنیت‌ها را کنار بزنیم و وارد میدان شویم؛ خودمان از نزدیک تجربه کنیم، ببینیم که همان یک تذکر ساده دادن و عبور کردن چقدر اثر دارد؛ وقتی اثرش را مشاهده کردیم ترغیب خواهیم شد به ادای این تکلیف...

البته فراموش نکنیم همان‌گونه که ابتدای بحث گفتیم، ولایت عرضی یک سکه دور و است؛ در کنار این تکلیف نصیحت و امر به معروف؛ ما وظیفه نصرت و همدلی را هم به عهده داریم و اگر این دو کنار هم قرار گیرند قطعاً اثرش دوچندان خواهد شد؛ مردم ببینند آن کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، در جای خود وظیفه نصرت و همدلی خود را هم دارند؛

خب این جلسه بیشتر پیرامون یک روی این سکه یعنی نصیحت و امر به معروف و نهی از منکر سخن

.....  
گفتیم، به مدد حضرت زهرا علیها السلام جلسه بعد بیشتر پیرامون وظیفه نصرت و همدلی صحبت خواهیم کرد.

زهراى مرضیه علیها السلام برای ما الگوی هر دوروی سکه ولایت عرضی هستند، همواره این بانو در جهت نصرت و یاری مؤمنین قدم برمی داشتند؛ اما هر جایی هم که لازم بود شجاعانه وارد میدان می شدند و به نصیحت و امر به معروف می پرداختند؛ در بعد ولایت طولی و اطاعت از ولی هم که قدری پیرامون آن سخن گفتیم، ایشان یگانه زمان خودشان بودند چنان که جانشان را پای ولایت گذاشتند؛ تا جایی که توان داشتند دست از یاری امامشان برنداشتند؛

## روضه

دوستداران زهراى مرضیه علیها السلام؛ گریه کنان مصیبت مادر سادات، یادمان باشد ما باید مثل حضرت زهرا علیها السلام توی صحنه باشیم، باید مثل حضرت زهرا علیها السلام اولویت اولمان امام زمانمان باشد. باید

.....  
 حامی و دلسوز امام زمان مون باشیم. از خود  
 حضرت زهرا علیها السلام مدد بگیریم؛

بی نام تو زهرا علیها السلام گره ای و اشدنی نیست  
 هرگز نفسی بی تو مسیحا شدنی نیست  
 سلمان که مسلمان شدة دست نبی بود  
 فهمید که بی مهر تو منّا شدنی نیست

یه اشاره کوتاه از تاریخ را برایتان بازگو کنم و با هم در  
 مصیبت مادر سادات گریه کنیم.

من آرام آرام می خوانم شما صحنه را برای خودتان  
 مجسم کنید؛ هم روضه هست هم درس زندگی و  
 آموزه بندگی؛

راوی نقل می‌کنه وقتی امیر المؤمنین را دست بسته  
 به زور توی کوچه به سمت مسجد می بردند؛  
 حضرت زهرا علیها السلام به خاطر جراحات عدیده بیهوش  
 شده بود و تا به هوش اومد سؤال کرد فضا؛ علی علیه السلام

.....  
 کجاست. گفته شد دست مولا را بستن و دارن  
 به زور به مسجد می برند برای بیعت اجباری.

مادر محزونه و مضروبهٔ ما تا این جمله را شنید که  
 به علی علیه السلام داره ظلم میشه با زحمت زیاد، دست به  
 پهلو، در حالی که صورت کبود شده بود و با آتش  
 برافروخته پشت در خانه سوخته شده بود،  
 در حالی که چشم حضرت زهرا علیها السلام بر اثر ضربه تار  
 می دید و از شدت ضربات متعدد در نهایت ضعف  
 بود، خودش رو به مولا رساند تا از امام زمانش دفاع  
 کند و به مردم بفهماند در هیچ حالتی دست از  
 حمایت امیرالمؤمنین بر نمی دارد و تا آخرین نفس  
 در صحنه هست؛ با هر زحمتی بود شال دور کمر  
 امیرالمؤمنین رو محکم گرفت و اجازه نمی داد  
 امیرالمؤمنین را به سمت مسجد ببرند؛

نانجیب صدازد چرا دست زهرا علیها السلام رواز علی علیه السلام دور  
 نمیکنی؟! من بازبان شعر می خوانم و ردمی شوم؛

قنفذ بی چشم و روزهرای علیها السلام زخمی مرا

آن قدر در کوچه ها زد تا امانش را برید

امیر المؤمنین نگران زهراست علیها السلام؛ زهرا علیها السلام نگران  
 علی علیه السلام. بچه های خانه علی علیه السلام پریشان و  
 مضطرب اند؛ شرایط به نحوی هست که نه  
 می توانند به مادر کمک کنند و نه به پدر؛ بمیرم برا  
 غربت و مظلومیت و علی و زهرا علیهم السلام. از دل پر خون  
 امام مجتبی بخوانم برایتان؛

گردیده بود قنقذ هم دست با مغیره

او با غلاف شمشیر این تازیانه می زد

با چشم خویش دیدم جان دادن پدر را

از ناله ای که مادر در آستانه می زد

خدایا به مظلومیت علی علیه السلام و اولاد علی مرتضی علیهم السلام؛ به

مجروحیت زهرا ی اطهر علیها السلام عجل لولیک الفرج

لا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم.

## جلسه سوم

## موضوع

راحت طلبی مانعی بر سر راه انجام وظیفه اخوت و  
همدلی



## انگیزه‌سازی

## نخلستان‌های فدک

نخلستان‌ها و باغ‌های فدک، سالیانه درآمدی بین ۷۰ هزار تا ۱۲۰ هزار سکه طلا (دینار) داشت. اختیار این اموال دست چه کسی بود؟ حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در سال هفتم پس از هجرت قلعه خیبر توسط مسلمانان فتح شد و یهودیان چاره‌ای جز تسلیم در برابر حکومت اسلامی نداشتند. وقتی خبر فتح خیبر به گوش یهودیان سرزمین فدک رسید، آنها نمایندگانی را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله فرستادند تا در ازای بخشش پنجاه درصد از درآمد باغ‌های فدک، خود را تسلیم و تابع مسلمانان کنند.<sup>۱</sup> اختیار چنین ثروت‌هایی که در اسلام بدون جنگ و لشکر کشی به دست می‌آمد متعلق به خدا و پیامبرش بود که از آن با عنوان «فیء» یاد می‌شد. در همان سالی که فدک به دست آمد آیه ۲۶ سوره اسراء نازل شد:

---

<sup>۱</sup> معجم البلدان، ماده فدک

.....  
 «وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا»؛ (حق خویشاوند و بیچاره و در راه مانده را ادا کن و هیچ گونه ریخت و پاش و اسراف نکن). بعد از نزول این آیه پیامبر ﷺ ماموریت یافت که فدک را به زهرای مرضیه علیها السلام هدیه کند؛ و در این ماجرا امیرالمومنین و ام ایمن را به عنوان شاهد گرفت.

با رحلت پیامبر ﷺ وجود نازنین پیامبر ﷺ این سرزمین فدک از دست حضرت زهرا علیها السلام گرفته شد و نمایندگان ایشان از این سرزمین اخراج شدند.

بانوی عصمت در مقابل این ناعدالتی ایستاد و تمام تلاش خود را برای بازستاندن حقش به کار بست؛ ایشان دست خط پدر را ارائه کرد؛ شاهد آورد اما کارگر نشد؛ لذا برای بازگرداندن این حق به مسجد پیامبر ﷺ آمد و خطبه ای قراءت ایراد کرد که شما نام این خطبه را شنیده‌اید و ما جلسه قبل

۱. سوره اسراء، آیه ۲۶.

۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۶۳۴.

.....  
 فرازهایی از آن را به محضر شما تقدیم کردیم؛ یعنی خطبه فدکیه. آن جا حضرت تمام حقایق را نسبت به این حق روشن کرده اند و به خوبی از عهده اثبات حقشان برآمده اند که عزیزان می توانید مراجعه کنید و مفصل آن را ببینید.

## اقناع اندیشه

### سؤال اساسی

اما سؤالی که ممکن است برای شما مطرح باشد این است: چگونه زهرایی علیه السلام که در تاریخ آمده لباس شب عروسی اش را به نیازمندان می بخشد؛ و یا هنگام مراجعت مسکین و یتیم و اسیر به در منزل؛ غذای سه روز خودشان را به آنها می بخشند، در حالی که روزه بودند و بعد به همین مناسبت آیه قرآن نازل می شود که: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا»؛ این بانو چه دل بستگی به

---

۱. سوره انسان، آیه ۸

.....  
این باغ فدک و درآمد آن داشتند که این قدر تلاش کردند تا آن را بازستانند؟!

باید گفت این تلاش و حق خواهی زهرای مرضیه علیها السلام برای منافع شخصی خودشان نبود؛ از زمان اهداء فدک تا رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله سه سال طول کشید و در این مدت حضرت جز اندکی از درآمد را که صرف زندگی خودشان می کردند، مابقی را بین ایتام و نیازمندان توزیع می کردند در حالی که می توانستند تمام درآمد آن را برای زندگی خود و خانواده هزینه کنند.

### احساس مسئولیت بانو

حضرت زهرا علیها السلام با این که مسئولیت حکومتی نداشتند؛ اما نسبت به جامعه شدیداً احساس مسئولیت می کردند.

عملکرد این بانوی بزرگوار در طول زندگی کوتاهشان نشان می دهد ایشان چقدر نسبت به

.....  
 مسئولیت اجتماعی مصمم بودند؛ مسئولیتی که  
 خدابه دوش همه امت نهاده است؛

## اخوت و همدلی

آن مسئولیت اجتماعی چیست که این گونه زهرای  
 مرضیه علیها السلام را به قیام واداشته؟ آن مسئولیت چیزی  
 نیست جز اخوت و همدلی؛ اخوت و همدلی که از  
 جنبه های ولاء طرفینی است که جلسه قبل مطرح  
 کردیم.

امشب می خواهیم با الهام از سیره حضرت زهرا علیها السلام  
 درباره این مسئولیت اجتماعی و این اصل حیاتی  
 در جامعه اسلامی صحبت کنیم؛ یعنی اخوت و  
 همدلی و برادری.

## سنت حسنة نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

یکی از اولین اقدامات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هنگام ورود به  
 مدینه ایجاد پیوند برادری بین مؤمنین بود. ایشان  
 همه اصحاب را در مسجد جمع کرده و دوبه دوی

.....

مهاجر و انصار پیوند برادری برقرار کردند. همه اصحاب برادر خود را شناختند به جز امیرالمؤمنین (ع) که تنها مانده و برادری برای او تعیین نشده بود. با چشمی گریان رو به رسول الله ﷺ کرد و عرضه داشت: «یا رسول الله ﷺ، بین اصحاب برادری ایجاد کردی، پس برادر من کیست؟» حضرت فرمودند: «آیا راضی می شوی که من برادر تو باشم»، اینجا امیرالمؤمنین با خوشحالی عرضه داشت: «بله یا رسول الله ﷺ» سپس رسول خدا ﷺ فرمود: «إِنَّتَ إِخِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»<sup>۱</sup>.

### ریشه اخوت و همدلی

این سنت حسنه‌ای که نبی مکرم اسلام در ابتدای هجرت و در ابتدای تشکیل حکومت اسلامی پایه‌گذاری کرد، به عنوان یک ضرورت در جامعه اسلامی باید تا ابد حفظ و تقویت شود چرا که ریشه

<sup>۱</sup>. ابن مردویه اصفهانی، مناقب علی بن ابیطالب ﷺ، ص ۱۰۰/الحاکم،

ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶

.....

در حکمی الهی دارد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: **إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ**<sup>۱</sup> «همانا مؤمنان با یکدیگر برادرند». معنای ریشه‌ای واژه **إِخْوَةٌ** در کتاب‌های لغت عبارت است از: پدر یا مادر مشترک داشتن، مصاحبت و همراهی و مشارکت در هر چیزی و دوستی.<sup>۲</sup>

برادری در اینجا از باب تشبیه است. از آنجاکه مؤمنین به واسطه ایمانشان یک وجه اشتراکی با یکدیگر دارند، مثل دو برادری هستند که پدر یا مادر مشترکی دارند. علامه طباطبائی صاحب تفسیر گران سنگ الغدير در تفسیر این آیه می‌فرماید: این صرفاً یک تشبیه نیست بلکه برادری دینی مثل برادری نسبی که آثاری در ارث و نکاح و... دارد، دارای آثاری اجتماعی است و در واقع وضع یک قانونی است که حق و تکلیفی را بر دوش مؤمنین قرار می‌دهد.

---

<sup>۱</sup>. آیه ۱۰ سوره حجرات

<sup>۲</sup>. المنجد فی اللغة، ج ۱، ص ۵

.....  
 این حق و تکلیف‌هایی که مؤمنین نسبت به یکدیگر دارند، به خودی خود می‌تواند ریشه بسیاری از مشکلات امت اسلامی را بخشکاند و آن‌ها را در مسیر رشد و تعالی یاری دهد.

### وظایف اخوت و برادری

اما اجازه دهید برخی از این حقوق و تکالیف متقابل مؤمنین نسبت به یکدیگر را از بیان نورانی امام صادق باهم مرور کنی:

وجود نازنین امام صادق (ع) در روایتی نورانی می‌فرمایند: «الْمُسْلِمُ إِخْوُ الْمُسْلِمِ» (مسلمان برادر مسلمان است)؛

بعد حضرت شروع کردند به بر شمردن تکالیف و خصوصیات که یک برادر می‌بایست نسبت به برادر خود داشته باشد:

- «هُوَ عَيْنُهُ» باید چشم برادرت باشی یعنی راه و چاه را به او نشان دهی؛



- .....
- «وَمِرَاتُهُ»؛ آینه اش باشی، خوبی ها و بدی ها،  
عیب ها و محاسنش را به او بگویی؛
  - «وَ دَلِيلُهُ»؛ او را در امور مختلف زندگی  
راهنمایی کنی؛
  - «لَا يَخُونُهُ»؛ به برادرت نباید خیانت کنی؛
  - «وَلَا يَخْدَعُهُ»؛ نباید او را فریب دهی؛
  - «وَلَا يَظْلِمُهُ»؛ نباید به او ظلم کنی؛
  - «وَلَا يَكْذِبُهُ»؛ نباید او را تکذیب کنی؛
  - «وَلَا يَغْتَابُهُ»؛ نباید از او غیبت کنی.

خب این یک روایت؛ در این زمینه روایات بسیار  
است که اهل بیت ما را به تکالیفمان نسبت به  
برادران دینی خود آگاه کرده و از ما خواسته اند تا آنها  
را مراعات کنیم.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کافی ج ۲ ص ۱۶۶

<sup>۲</sup> کافی جلد ۲، ص ۱۷۴: در حدیث شریفی از امام صادق (ع) آمده است:  
«الْمُسْلِمُ إِخْوَانُ الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ وَلَا يَخُونُهُ وَيَحِقُّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ  
الْإِجْتِهَادُ فِي التَّوَاصُلِ وَالتَّعَاوُنُ عَلَى التَّعَاطُفِ وَالمُؤَاسَاةُ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ وَ»

## راحت طلبی مانع بر سر راه اخوت و همدلی

اما متأسفانه همان روحیه‌ای که در این شب‌ها از آن سخن گفتیم؛ یعنی روحیه راحت‌طلبی و تن‌آسایی اینجا هم حاضر است و کارشکنی می‌کند و اجازه نمی‌دهد اخوت و همدلی در جامعه اسلامی محقق شود. چقدر این روحیه می‌تواند برای امت اسلام مشکل درست کند. این روحیه اجازه نمی‌دهد ما نسبت به برادران دینی‌مان دغدغه داشته باشیم؛ در پی حل مشکلاتشان و رفع گرفتاری‌هایشان تلاش کنیم؛ نفس راحت‌طلب می‌گوید چرا خودت را به دردسر می‌اندازی؟ آخر مگر سری که درد نمی‌کند دستمال می‌بندند؟ دائماً تلقین می‌کند که تو فکر خودت باش؛ عزیزان باید مقابل این نفس ایستاد؛ باید با آن مبارزه کرد و گرنه دیریا زود کار دستمان خواهد داد؛

---

تَعَاظِفُ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ حَتَّى تَكُونُوا كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - رَحَمَاءَ  
بَيْنَكُمْ مَتْرَاحِمِينَ مُغْتَمِّينَ لِمَا غَابَ عَنْكُمْ مِنْ أَمْرِهِمْ عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ  
مَعْشَرُ الْأَنْصَارِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

.....  
 همان گونه که کار دست مهاجرین و انصار زمان  
 زهرای مرضیه علیها السلام داد که استغاثه حضرت برای یاری  
 جبهه حق را شنیدند اما به یاری آن بر نخواستند و  
 همان گونه که زهرای مرضیه علیها السلام فرمود:

«قَدْ إِخْلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ!»؛ در زندگی آرام و راحت  
 غرق شده‌اید؛

بله این نتیجه داشتن این روحیه است که ما را از  
 انجام وظیفه اخوت و همدلی بازمی‌دارد؛

## پرورش احساس

### مصادیقی از راحت طلبی

آدم راحت طلب، نسبت به دوروبر خودش  
 بی تفاوت است:

- همسایه‌ام اگر وام ۵۰ میلیونی اش را بگیرد،  
 می‌تواند یک کسب و کاری راه بیاندازد. اما من که

.....  
 دنبال دردسر نمی‌گردم بروم ضمانت وامش را  
 قبول کنم.

- خانه کوچکی دارم؛ آن را به بالاترین قیمت  
 اجاره می‌دهم در حالی که آن چندان هم به پولش  
 نیاز ندارم؛ برادرم توان پرداختش را دارد یا نه؟ مگر  
 مهم است؟

- جوانان هم محله‌ای ما دچار بلای  
 خانمان سوز اعتیاد شده‌اند و برای نجات آنها از  
 دست ما کاری برمی‌آید اما نهایت تلاش ما این  
 است که اینها سر کوچه ما نایستند؛ بروند جای  
 دیگر که مادر آسایش باشیم.

- در مجلسی از یک مؤمن غیبت می‌شود،  
 من می‌توانم از او رفع غیبت کنیم؛ اما ممکن است  
 اعضای جلسه با من بد رفتاری کنند... پس بهتر  
 است سکوت کنم.

اینها مصادیقی از کوتاهی‌های مؤمنین در جامعه نسبت به وظیفه اخوت و همدلی به جهت غلبه روحیه راحت‌طلبی است.

### مکتب زهرا علیها السلام

اگر این خصلت‌ها در جامعه ما هست که متأسفانه کم‌وبیش هست؛ آن وقت چگونه خود را پیرو مکتب زهرا علیها السلام می‌دانیم که خودش را برای یاری جبهه مؤمنین به آب و آتش می‌زند؟! می‌آید و برای بازپس گرفتن فدکی که می‌تواند نیاز مؤمنین؛ نیاز ایتام و مساکین زمانه‌اش را برطرف کند یک‌تنه می‌ایستد و آن‌گونه خطبه می‌خواند.

اگر مؤمن به زهرا علیها السلام مرضیه هستیم نباید نسبت به جامعه بی‌تفاوت باشیم؛ زهرا علیها السلام نسبت به جامعه زمان خودشان بی‌تفاوت نبودند؛ نه تنها نسبت به مسائل دنیایی آن‌ها بلکه نسبت به آخرت امت هم دغدغه‌مند بودند چنان‌که مهریه خود را شفاعت

.....  
 از امت قرار دادند. روایتی است شنیدنی از اخوت و  
 همدلی زهرای اطهر علیها السلام در فردای قیامت که ناقل آن  
 جابر ابن عبدالله انصاری است:

«روزی جابر به امام باقر علیه السلام عرض کرد: فدایت شوم،  
 ای پسر رسول الله صلی الله علیه و آله! حدیثی دربارهٔ جدّه‌ات فاطمه  
 زهرا علیها السلام، و در فضیلت و شرافت آن بی بی برای من  
 نقل کن که چون من آن را برای شیعیان بازگو کنم،  
 خوشحال شوند!»

خوب دقت داشته باشید؛ امام این روایت را در  
 اجابت درخواست جابر که خواستند حضرت کلامی  
 بگویند تا مایه چشم روشنی و خوشحالی شیعیان  
 شوند فرموده‌اند. ان شاء الله با شنیدن این روایت  
 خوشحال و حال دل‌مان بهتر خواهد شد؛ آگه با  
 شنیدن روایت حال دلتان خوب شد و صفای باطن  
 پیدا کردید همه مؤمنین و مؤمنات؛ گرفتارها؛  
 حاجت‌مندها را هم دعا کنید.

حضرت باقر علیه السلام فرمودند: پدرم برای من روایت کرد،  
 از جدّم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که چون روز قیامت بر پا

شود، برای هر يك از انبياء و مرسلین منبری از نور نصب می‌کنند، و منبر من در آن روز از همه منابر بلندتر است؛ و پس از آن خداوند می‌فرماید: یا مُحَمَّدٌ ﷺ اَخُطِّبُ! «ای محمد ﷺ خطبه بخوان!»؛ و من خطبه‌ای می‌خوانم که هیچ‌یک از انبياء و رسل همانند آن را نشنیده‌اند؛ و سپس برای هر يك از اوصیاء پیمبران منبری از نور نصب می‌کنند، و برای وصی من علی بن ابی طالب در وسط آن منبرها منبری از نور نصب می‌کنند، و منبر او از همه منبرهای آنان بلندتر است؛ سپس خداوند می‌فرماید: یا عَلِيُّ اَخُطِّبُ! «ای علی خطبه بخوان!»؛ پس علی خطبه‌ای می‌خواند که هیچ‌یک از اوصیاء پیامبران همانند آن را نشنیده‌اند؛ و پس از آن برای اولاد انبياء و مرسلین منبرهائی همانند آن منبرها نصب می‌کنند؛ و برای دو فرزند و دو سبط من و دو ریحانه من در ایام حیات و زندگانیم، منبری از نور است؛ سپس به آن دو گفته می‌شود: اَخُطِّبَا! «خطبه بخوانید!» پس آنان دو خطبه می‌خوانند که

هیچ یک از اولاد انبیاء و مرسلین همانندش را نشنیده‌اند؛

ثُمَّ ينادى المُنَادِى وَهُوَ جَبْرئيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِيْنَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهَا السَّلَامُ? إِيْنَ خَدِيجَةَ بِنْتِ خُوَيْلِدٍ? إِيْنَ مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ? إِيْنَ آسِيَةَ بِنْتِ مُزَاحِمٍ? إِيْنَ أُمَّ كَلثُومَ أُمَّ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا! (سپس منادی که جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ است ندا کند: کجاست فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ دختر محمد عَلَيْهِ السَّلَامُ? کجاست خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ دختر خویلد? کجاست مریم عَلَيْهَا السَّلَامُ دختر عمران? کجاست آسیه دختر مزاحم? کجاست ام کلثوم مادر یحیی ابن زکریا?) و همگی بر می‌خیزند.

در این حال خداوند تبارک و تعالی می‌گوید: ای اهل جمع و ای مجتمعیان در محشر! امروز کرم برای کیست؟! مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ حَسَنٌ وَ حُسَيْنٌ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ می‌گویند: ﴿لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ﴾. «کرم فقط از خداوند واحد قهار است»

از این جای روایت دل انسان می‌لرزد و قلبش به تپش می‌افتد؛ خود را در این مجلس فاطمیه در



.....  
 پیشگاه صدیقه طاهره علیها السلام می دانیم و با افتخار در  
 مقابل این کلام نورانی زانوزدیم. در ادامه حضرت  
 می فرمایند:

«خداوند می گوید: ای اهل محشر! من کرم را برای  
 محمد و علی و حسن و حسین و فاطمه علیها السلام قرار  
 دادم! ای اهل محشر! اینک سرهای خود را فرود  
 آورید و چشمان خود را فروافکنید که فاطمه  
علیها السلام بسوی بهشت می رود.

در این حال جبرئیل برای او يك ناقه از ناقه های  
 بهشتی را می آورد که دو پهلویش فرورفته است و  
 دهانه اش از لؤلؤ تر است، و بر روی آن ناقه، جهازی  
 از مرجان است. و آن ناقه در برابر حضرت زهرا علیها السلام  
 خم می شود و حضرت بر آن سوار می شوند. و  
 خداوند يك صدهزار فرشته بر می انگیزد تا از جانب  
 راست او حرکت کنند، و يك صدهزار فرشته دیگر بر  
 می انگیزد تا از جانب چپ او حرکت کنند، و يك  
 صدهزار فرشته دیگر بر می انگیزد تا فاطمه علیها السلام را بر  
 روی بال های خود می گیرند و حرکت داده و تا در

.....

بهشت می‌آورند؛ چون به درِ بهشت می‌رسد، نگاهی به این طرف و آن طرف می‌افکند؛ خداوند خطاب می‌کند: ای دختر حبیب من! علت این توجّهت به اطراف چیست؟ در حالی که من تو را به بهشت خودم راهنمایی کردم! فاطمه علیها السلام می‌گوید: ای پروردگار من! دوست دارم که قدر و منزلتم امروز شناخته شود! خداوند می‌فرماید: ای فاطمه علیها السلام! ای دختر حبیب من! برگرد و ببین که در قلب هر که محبّت تو یا محبّت یکی از ذرّیه تو باشد، دست او را بگیر و داخل در بهشت بنما!»

عاشقان و دلدادگان حضرت مادر خوب گوش کنید ببینید زهرا علیها السلام فردای قیامت چگونه حق اخوت و همدلی را به جامی آورد:

«حضرت باقر علیه السلام گفتند: ای جابر! سوگند به خداوند که فاطمه علیها السلام در آن روز شیعیان و محبّان خود را جدا می‌کند همانند پرنده‌ای که دانه‌های خوب را از دانه‌های بد جدا می‌کند؛ چون فاطمه علیها السلام با شیعیان خود به درِ بهشت رسند، خداوند در دل آنها

.....

می اندازد که نگاهی به اطراف بنمایند، و چون به اطراف نظر کنند، خداوند می فرماید: ای محبان من! سبب التفات و توجه شما چیست؟! من که فاطمه علیها السلام دختر حبیب خود را شفیع شما قرار دادم! شیعیان می گویند: ای پروردگار ما دوست داریم که قدر و منزلت ما امروز شناخته شود! خداوند می فرماید: ای حبیبان من! برگردید و نظری بیفکنید و ببینید، هر کس شما را به جهت محبت به فاطمه علیها السلام دوست داشته است، هر کس شما را به جهت محبت به فاطمه علیها السلام غذا و طعام داده است، هر کس شما را به جهت محبت به فاطمه علیها السلام پوشانیده است، و هر کس شما را به جهت محبت به فاطمه علیها السلام آشامیدنی خورانده است؛ نظر کنید و ببینید، هر کس به جهت محبت به فاطمه علیها السلام زشتی و غیبتی را از شما برگردانیده است؛ دست او را بگیرید و داخل در بهشت بنمائید!»

بعد در نهایت حضرت باقر علیه السلام جمله ای فرمودند که ما را وامی دارد به اینکه بر زبان جاری کنیم زهرا

.....  
 اخوت و همدلی را در حق همه ما تمام خواهند کرد؛ آن جمله چیست؟ حضرت فرمودند:

«سوگند به خدا که در میان مردم غیر از کافر و منافق و شک‌کننده در امر توحید هیچ‌کس باقی نمی‌ماند!»

یعنی همه مورد شفاعت زهرا علیها السلام قرار می‌گیرند. ما این چنین الگویی مقابل خود داریم که مصداق اتم اخوت و همدلی در دنیا و آخرت هستند. شهدا هم در منششان به همین مادر اقتدا کردند.

### شهید حمید سیاهکالی

خدا رحمت کنید شهید بزرگوار مدافع حرم حمید سیاهکالی مرادی؛ همسرش نقل می‌کند پس اندازی داشتیم و قرار بود با آن یک منزلی اجاره کنیم و زندگی مشترکمان را در آن منزل شروع کنیم؛ رفتیم و بعد از کلی گشتن، منزلی را برای اجاره پیدا کردیم و پسندیدیم؛ منزلی در یک محله خوب و ساکت. همین که از خانه بیرون آمدیم و

.....

می خواستیم برویم برای عقد قرارداد تلفن حمید زنگ خورد. چند دقیقه‌ای صحبت کرد و وقتی تماسش تمام شد، رو کرد به من گفت دوستم برای اجاره منزل به پول نیاز داره، گفتم: خب. گفت راضی هستی پس اندازمان را نصف کنیم و برویم یک جای مناسب تر منزل اجاره کنیم؟ من هم رضایت دادم و با نصف اون پول توانستیم یک خانه کوچک تر در محله‌ای پایین تر اجاره کنیم؛ اما خوشحال بودیم از اینکه توانستیم مشکل یک دوست را برطرف کنیم؛ بله این است اخوت و همدلی

### پیامد ترک اخوت و همدلی

آیا این احساس مسئولیت هادر ما هست؟ آیا این دغدغه هادر ما هست؟ ما چقدر می توانیم مواردی را بشماریم که نیاز به اخوت و همدلی هست اما راحت طلبی اجازه نمی دهد کاری کنیم؛ واقعاً اگر نسبت به این مسائل بی تفاوت هستیم، نباید

نگران باشیم که این حدیث پیامبر ﷺ شامل حال ما شود که:

«مَنْ إِصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ.» (هر کس صبح کند در حالی که به فکر مسلمانان نباشد، مسلمان نیست).

فرض کنید شب اول قبر ما فرار سیده؛ نکیر و منکر از ما سؤال می پرسند:

«دین توجه بوده؟»

«اسلام»

«آیا واقعات تو مسلمان بودی؟ بیا برای ما اثبات کن که مسلمان بودی»

دست ما را می گیرند، می آورند در همین کوچه پس کوچه های محله؛ در همان مسیری که هر روز به مسجد و هیئت می آمدیم. یکی یکی این خانه ها را به ما نشان می دهند.

«اهل این خانه را می شناسی؟»

«نه!»

«از حال و روز آنها خبر داشتی؟»

«نه!»

«یکی از اهالی این خانه بیمار صعب‌العلاج دارد؛ شما می‌توانستید با کمک اهالی مسجد در هزینه‌ها به آنها کمک کنید اما بی تفاوت بودید»

بعد می‌رویم جلوی یک خانه دیگر

«اهل این خانه رامی‌شناسی؟»

«نه!»

«اینها در زمستان بخاری نداشتند و شما یک بخاری اضافی در خانه‌ات داشتی.»

می‌رویم جلوی خانه بعدی؛ جوان این خانواده از بیکاری درگیر اعتیاد شده بود؛ شما می‌توانستید برای او کسب و کاری فراهم کنید.

خانه بعدی؛ این دو همسایه با هم مشاجره داشتند؛ شما و بزرگ‌ترهای مسجد می‌توانستید با

.....  
 پادرمیانی اختلاف آنها را برطرف کنید؛ خانه بعدی؛  
 بچه‌های این خانه چند ماهی است که یتیم  
 شده‌اند و مادرشان به تنهایی از پس مخارج بر  
 نمی‌آید.

همه خانه‌ها را یک‌به‌یک نشانمان می‌دهند و از  
 اوضاع اهالی آنها سؤال می‌پرسند، ما هم هیچ  
 نمی‌دانیم.

بعد می‌گویند توجه مسلمانی بودی که تا این حد  
 نسبت به دوروبر خودت بی‌اطلاع و بی‌تفاوت  
 بودی!

### ترک اخوت مانعی برای ظهور

عزیزان اهمیت موضوع اخوت و همدلی تا جایی  
 است که در توقیع شریف امام‌زمان به شیخ مفید  
 آمده:

وَلَوْ أَنَّ إِشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنْ  
 الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ



.....  
 الْيُمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلْتُ لَهُمُ السَّعَادَةَ  
 بِمُشَاهَدَتِنَا... (اگر شیعیان ما (که خداوند توفیق  
 طاعتشان دهد) در راه ایفای پیمانی که بر دوش  
 دارند، هم دل می‌شدند، میمنت ملاقات ما از  
 ایشان به تاخیر نمی‌افتاد، وسعادت دیدار ما زودتر  
 نصیب آنان می‌گشت).

امام در این بیان نورانی به صراحت عدم اتحاد  
 قلوب و نبود رابطه اخوت و برادری را دلیل در تأخیر  
 امر فرج عنوان می‌کنند؛ اگر نبود مگر همین کلام  
 نورانی امام، کافی بود تا ما به این مهم با دیده  
 اهمیت بنگریم.

### اخوت و همدلی؛ نعمت خدا

در طرف مقابل بی تفاوتی و بی خیالی احیای روحیه  
 اخوت و همدلی در جامعه است که آثار و برکات  
 بسیار زیادی دارد؛ اخوت و همدلی آن قدر با ارزش  
 است که خدای متعال در قرآن کریم از آن به عنوان  
 نعمت الهی یاد می‌کند و می‌فرماید:

.....  
 «إِذْ كُنْتُمْ إِعْدَاءً فَالْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» (به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف و نعمت خدا همه برادر دینی یکدیگر شدید).

نه تنها اخوت و همدلی، بلکه انجام وظیفهٔ اخوت و همدلی هم نعمت خداست، وجود نازنین رسول الله ﷺ در روایتی شریف این‌گونه فرمودند:

«الْمُسْلِمُ إِخْوُ الْمُسْلِمِ» (مسلمان برادر مسلمان است)؛ این تعبیر هم در آیات و هم در روایات متعددی تکرار شده که مسلمان برادر مسلمان است؛ این اهمیت این مسئله را می‌رساند؛ بعد حضرت فرمودند:

«لَا يُظْلِمُهُ وَلَا يَسْلُبُهُ»؛ (به او ستم روانمی‌دارد و او را تسلیم (حوادث) نمی‌کند)؛

.....  
 مَنْ كَانَ فِي حَاجَةٍ إِخِيهِ كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ؛ (هرکس در پی برآوردن نیاز برادرش باشد، خدا نیاز او را بر می آورد.)

وَمَنْ فَرَّجَ عَن مُّسْلِمٍ كُرْبَةً فَرَّجَ اللَّهُ بِهَا عَنهُ كُرْبَةً مِّنْ كَرَبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، (وهرکس اندوهی را از مسلمانی دور کند، خدا در برابر، اندوهی را از اندوه‌های روز قیامت از او دور خواهد کرد.)

وَمَنْ سَتَرَ مُّسْلِمًا يَسْتُرْهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (وهرکس مسلمانی را بپوشاند، خدا در قیامت او را خواهد پوشاند.)

حال این روایت نورانی را بشنوید تا بدانید جایگاه خدمت به خلق و ادای اخوت و همدلی تا کجاست؛ وجودنازنین پیامبر ﷺ فرمودند:

---

۱. تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۴، ص ۵۳۴

«الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ مَنْ نَفَعَ عِيَالَ اللَّهِ وَادْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ سُرُورًا.»<sup>۱</sup> (مخلوق عیال خدا هستند و محبوب‌ترین آنها نزد خدا کسی است که به عیال خدا سود دهد، و به خانواده‌ای شادی رساند)

در واقع روانه‌شدن حوائج مردم به سمت ما خودش نعمت خداست؛ خدا بر ما منت نهاده که ما را وسیله‌ای قرار داده تا حاجت مؤمنی برآورده شود؛ این سخن بنده نیست؛ کلام، کلام معصوم است؛ وجودنازنین امام حسین علیه السلام فرمودند که:

«اعْلَمُوا أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعْمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمَلُّوا النِّعَمَ فَتَتَحَوَّلَ إِلَى غَيْرِكُمْ.»<sup>۲</sup> (نیازهای مردم به سوی شما از نعمت‌های خداوند است، از

<sup>۱</sup>. کافي، جلد ۲، صفحه ۱۶۴

<sup>۲</sup>. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۷

.....  
 نعمت‌ها خسته نشوید و به دیگران محوّل  
 نکنید.)

## رفتار سازی

### رزمایش اخوت و همدلی

وقتی نگاه می‌کنیم می‌بینیم هر جایی که در جامعه  
 اخوت و همدلی حاکم شده موفقیت‌های زیادی  
 به دست آمده و برکات فراوانی حاصل شده و جامعه  
 به سمت رشد و تعالی حرکت کرده؛ یک نمونه آن  
 ایام سخت و طاقت فرسای کرونا بود.

در این دوران ما یک تجربه موفق از اخوت و همدلی  
 اجتماعی بسیار گسترده را در جامعه به نمایش  
 گذاشتیم. این ایام به ما ثابت کرد که در  
 سخت‌ترین شرایط و با کمترین امکانات هم  
 می‌شود به این وظیفه عمل کرد. در شرایطی که

.....

بسیاری از مردم درگیر این ویروس منحوس شده بودند؛ خانواده‌های زیادی داغدار شده بودند و بسیاری از کسب و کارها تعطیل شده بود؛ در این شرایط مردم به میدان آمدند و نمونه‌ای بی نظیر از اخوت و همدلی را به نمایش گذاشتند. اگر خاطرتان باشد اوج این همدلی بعد از بیانات رهبری در ۲۱ مهرماه ۱۳۹۹ بود که ایشان مردم را برای یک رزمایش ملی مواسات در ماه رمضان به میدان فراخواندند و فرمودند:

«ماه رمضان، ماه انفاق است، ماه ایثار است، ماه کمک به مستمندان است؛ چه خوب است که یک رزمایش گسترده‌ای در کشور به وجود بیاید برای مواسات و همدلی و کمک مؤمنانه به نیازمندان و فقرا که این اگر اتفاق بیفتد، خاطرة خوشی را از امسال، در ذهن‌ها خواهد گذاشت.»<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup>. سخنرانی تلویزیونی رهبری، دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری به

.....

در اوج مشکلات اقتصادی، مردم در مرحله اول این رزمایشی که با نام «ایران همدل» برگزار شد، ۱۵۱ میلیارد تومان به نیازمندان کمک کردند. در مرحله دوم، این رقم به ۶۷۵ میلیارد تومان رسید. در همین بازه زمانی مردم ۱۱۰۰ میلیارد تومان به طرح اکرام ایتما کمیته امداد کمک کردند و ۹۲۰ میلیارد تومان مردم به جمعیت هلال احمر ایران کمک کردند.

و انصافاً خدماتی که دولت در این ایام داشت قابل مقایسه با کار گسترده مردم نیست. این قدرت پررنگ شدن اخوت و همدلی در بین مردم جامعه است. حال اگر در همین شرایط آن روحیه راحت طلبی و تن آسایی قالب می شد چه اتفاقی می افتاد؟ آیا ما شاهد این خدمات پر برکت بودیم؟ هرگز.

## ظرفیت‌های بی‌نظیر

ما امروز موقعیت‌ها و مکان‌های پر ظرفیتی داریم که می‌تواند در راستای یک جامعه همدل به کار گرفته و از آنها استفاده شود؛ مثل مسجد، هیئت و پایگاه‌های مقاومت بسیج؛ از این ظرفیت‌ها به بهترین نحو ممکن استفاده کنیم. ما آن‌گونه که باید از این ظرفیت‌ها بهره نمی‌بریم؛ آنها را دست‌کم می‌گیریم؛ به نظر شما همین مواسات و همدلی در دوران کرونا از کجا آغاز شد و شکل گرفت؟ از همین مساجد و حسینیه‌ها و هیئت‌ها و پایگاه‌های مقاومت بود؛ به راحتی از کنار این ظرفیت‌ها نگذریم. یکی از ظرفیت‌های بسیار خوب که می‌تواند از دل مساجد و هیئت‌ها و پایگاه‌های مقاومت شکل بگیرد گروه‌های جهادی است که الحمدلله طبق آمارها تا سال ۱۴۰۱ ما ۴۲ هزار گروه جهادی داشته‌ایم که بسیاری از این گروه‌ها در همین دوران کرونا شکل گرفتند. گروه‌هایی که خدمات کم‌نظیری را به جامعه ارائه



می‌کنند و چقدر این گروه‌ها می‌تواند پر برکت باشد. آقادر یکی از بیاناتشان می‌فرمایند:

«گفتمان حرکت جهادی باید به گفتمان عمومی تبدیل شود.»؛

یعنی باید اندیشه خدمت‌رسانی جهادی که یکی از قالب‌های آن ایجاد این گروه‌های جهادی است، در جامعه گسترش پیدا کند.

من به عزیزان پیشنهاد می‌کنم حتماً در مورد ایجاد یک گروه جهادی فکر کنید.

### مصادیقی از اخوت و همدلی

البته تصور نشود وقتی می‌گوییم در قالب ایجاد گروه‌های جهادی وظیفه اخوت و همدلی را انجام دهیم، حتماً نیاز به سرمایه مالی زیادی هست؛ خیر؛ این مسئولیت سطوح مختلفی می‌تواند داشته باشد؛ اجازه دهید برخی از این سطوح را مرور کنیم و برخی از مصادیق آن را بر شماریم:

.....  
 (۱) اخوت و همدلی بازبان:

- نصیحت و خیرخواهی زبانی: اگر عیب و ایرادی در رفتار برادرمان می بینیم با نصیحت و خیرخواهی او را به راه درست دعوت کنیم.
- مشورت: اگر در زمینه ای تخصص داریم، به مردم مشورت بدهیم.
- زبان خیر گذاشتن: اگر در جایی و جاهت و آبرویی داریم، برای گره گشایی از کار مردم زبان خیر بگذاریم.

(۲) اخوت و دلی هم با عمل:

- فن و مهارت آموزی: اگر مهارتی داریم به برادرانمان آموزش دهیم تا آنها هم بتوانند به کسب و کاری برسند.
- ارائه خدمات فنی رایگان: با استفاده از مهارتمان، به مؤمنین نیازمند خدمت رسانی کنیم.

- 
- برداشتن باری از دوش برادر: اگر مهارتی نداریم، در کارهای ساده می‌توانیم از زور بازو برای کمک به دیگران استفاده کنیم.

### (۳) اخوت و همدلی با مال:

- وقف
- انفاق در راه ایتام
- انفاق در راه مستمندان و نیازمندان
- اهدای جهیزیه و لوازم ضروری منزل
- تأمین هزینه‌های گروه‌های جهادی

البته باز تأکید کنم که اخوت و همدلی منحصر در این سطوح و مصادیق نیست. هر کسی با توجه به موقعیت، امکانات و شرایط خود به گونه‌ای می‌تواند این وظیفه خطیر را انجام دهد؛ و در این راه ما باید از سیره اهل بیت الگو بگیریم. اهل بیت در بخشش، در انفاق، در کمک به هم‌نوعان بهترین الگو هستند. آنچه از سیره آنها به ما رسیده نشان

.....

می‌دهد آن‌ها از هیچ کمک و تلاشی در راستای اخوت و همدلی دریغ نمی‌کردند. خود بانوی عصمت حضرت زهرا علیها السلام بهترین الگوی این راه است؛ بانویی که اموال فدک را در راه کمک به نیازمندان هزینه می‌کرد؛ بانویی که به تصریح قرآن وقتی مسکین و یتیم و اسیر سه روز متوالی در منزل ایشان می‌آیند، این بانو به همراه همسر و فرزندان‌ش طعام خود را انفاق می‌کنند در حالی که خودشان روزه بودند و به آن محتاج بودند؛ و یا لباس عروسی خودشان را می‌بخشند؛ اینها سیره حضرت زهرا علیها السلام است که نسبت به امت پیامبر صلی الله علیه و آله این قدر دلسوز و مهربان بودند؛ و انتظار این بود که مردم مدینه قدر دان این مهربانی‌ها باشند؛ چطور وقتی یک شخص نیکوکاری از دنیا می‌رود همه در تشیع او شرکت می‌کنند؛ سعی می‌کنند به نحوی خوبی‌های او را جبران کنند؛ اما مردم مدینه چه کرده بودند که بانوی عصمت وصیت کرده علی علیه السلام جان مرا شبانه غسل بده و کفن کن و به خاک بسپار...

## روضه

مردم مدینه قدر و منزلت زهرای مرضیه علیها السلام را درک نکردند، البته عده‌ای بودند که شناخت کامل به زهرای مرضیه علیها السلام داشتند ولی عناد و نفاق در قلب آنها موج می‌زد. کاش مردم مدینه، مخصوصاً بزرگان آنها که رفتارهای محبت‌آمیز پیامبر صلی الله علیه و آله با زهرا علیها السلام را که بارها و بارها دیده یا شنیده بودند سرلوحه قرار داده بودند و بنای ظلم و اذیت دختر پیامبر صلی الله علیه و آله نگذاشته بودند.

این روایت پیامبر صلی الله علیه و آله را روایان شیعه و سنی به تواتر نقل کرده‌اند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود فاطمه علیها السلام پاره تن من هست هر کس او را خوشحال کند مرا خوشحال کرده و هر کس او را آزرده خاطر کند مرا ناراحت کرده؛ فاطمه علیها السلام از همه مردم نزد من عزیزتر است.

امیدوارم ما در حق زهرای مرضیه علیها السلام جفا نکنیم و در ادای دین مادر سادات کم نگذاریم.

من غلامی ز غلامان تو ام یازهرای علیہ السلام

مستمندی به سرخوان تو ام یازهرای علیہ السلام

از زمانی که به خود آمده ام فهمیدم

خاطر آشفته و حیران تو ام یازهرای علیہ السلام

متولد شده عشق تو ام بی بی جان

آه پرورده دامن تو ام یازهرای علیہ السلام

عشق زهرای مرضیه علیہ السلام آن قدر روح انگیز هست که اگر به دیدۀ تأمل به آن نگرسته شود واقعا انسان به تحیر واداشته می شود. به این قطعه تاریخی و محبت امام صادق علیه السلام به حضرت زهرای علیہ السلام عنایت کنید.

شخصی خدمت امام صادق علیه السلام آمد و عرضه داشت که خداوند به من فرزند دختری عطا کرده و نام او را فاطمه علیہ السلام گذاشته ام

حضرت امام صادق علیه السلام تا جمله آخر را از آن شخص شنید به یاد حضرت زهرای علیہ السلام و عظمت او افتاد و گویا

.....  
 ظلم‌هایی که در حق دختر پیامبر ﷺ کرده بودند برای حضرت تداعی شد و فرمود آه، آه. سپس به نشانه احترام باحالت بغض آرام آرام سردرگریان برد تا اینکه دست به پیشانی خود گذاشت با چشمی اشک بار ادامه داد: حالا که اسم دخترت را فاطمه علیها السلام گذاشتی مباد او را ناسزا بگویی! مباد او را کتک بزنی و نفرین کنی! این اسم نزد خدا خیلی محترم است. چرا که این اسم حبیبۀ خدا فاطمه علیها السلام است.

حرف آخر از روضه امشب رو بگم و تمام کنم؛

بشکند دستی که زد سیلی به روی فاطمه علیها السلام

شد از آن سیلی سیه روی نکوی فاطمه علیها السلام

پیش چشمان حسن علیه السلام در رهگذار خاص و عام

حمله ور شد دشمن جانی به سوی فاطمه علیها السلام

حضرت زهرا علیها السلام همراه با امام مجتبی در راه برگشت از مسجد وقتی که قبالة فدک را گرفته بود شخصی راه را بر بانو بست و قباله را از حضرت گرفت و پاره

.....  
 کرد؛ ای کاش به همین کار بسنده کرده بود؛ یا  
 صاحب الزمان؛ أجرک الله

فرفسها بر جله ثم لطمها؛ سر بسته معنی می کنم  
 با زور مردانه خود چنان ضربه ای به سرو صورت  
 زهرای مرضیه علیها السلام زد که تعادل مادر سادات به هم  
 خورد و با صورت به زمین خورد.

لا حول ولا قوة إلا بالله العلی العظیم



## جلسه چهارم

## موضوع

تبیین نقش زن و مادری در عبور یا سقوط جامعه  
به واسطه روحیه راحت طلبی

## انگیزه‌سازی

## جایگاه تربیتی زن

حضرت امام خمینی در بیاناتشان جملاتی پیرامون جایگاه و مقام زن دارند که انسان را به تامل وامی دارد و به تفکر فرو می برد. بیاناتی که اگر شخصی غیر از ایشان می فرمودند پذیرشش سخت بود؛ می فرمایند:

«دامن مادر بزرگترین مدرسه ای است که بچه در آنجا تربیت می شود. آنچه که بچه از مادر می شنود غیر از آن چیزی است که از معلم می شنود. بچه از مادر بهتر می شنود تا از معلم. در دامن مادر بهتر تربیت می شود تا در جوار پدر؛ تا در جوار معلم. [این] یک وظیفهٔ انسانی است، یک وظیفهٔ الهی است، یک امر شریف است؛ انسان درست کردن است»<sup>۱</sup>

---

۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۹۴

.....  
این مقام و جایگاه و نقش زن و مادری است؛ واقعا  
مقام تربیتی زن چقدر بلند و والا است.

ایشان در یکی دیگر از بیاناتشان می فرمایند:

«زن یکتا موجودی است که می تواند از دامن خود  
افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک  
جامعه، بلکه جامعه ها به استقامت و ارزشهای  
والای انسانی کشیده شوند و می تواند بعکس آن  
باشد.»<sup>۱</sup>

حقیقت امر این است که زن نقش کلیدی و  
محوری در تربیت دارد و این را می شود از بیانات  
بزرگان و شخصیت هایی چون امام خمینی فهمید  
که یک اسلام شناس واقعی هستند؛ امام در این  
رابطه خیلی حرف دارند که واقعا شنیدنی است؛ ای  
کاش بیشتر فرصت بود بیاناتی از ایشان را

---

<sup>۱</sup> صحیفه امام؛ ج ۱۶، ص ۱۹۲

.....  
 محضرتان تقدیم می‌کردم؛ فقط یک جمله دیگر از  
 امام نقل کنم و ردشوم؛ ایشان معتقد بودند که:

«اگر زنهای انسان ساز از ملتها گرفته بشود، ملتها  
 به شکست و انحطاط مبدل خواهند شد.»<sup>۱</sup>

حال اجازه دهید برخی از کلمات رهبری هم در این  
 رابطه برایتان بخوانم؛ ایشان می‌فرمایند:

«اگر زنان ما از لحاظ رتبه‌ی معرفتی و بینش و  
 معلومات، سطح خود را ارتقاء دهند، این نقش  
 [مادری] با هیچ نقش دیگری، قابل مقایسه  
 نیست... مادر است که فرهنگ و معرفت و تمدن و  
 ویژگیهای اخلاقیِ یک قوم و جامعه را با جسم خود،  
 با روح خود، با خلق خود و با رفتارِ خود، دانسته و  
 ندانسته به فرزند منتقل میکند؛ همه تحت تأثیر

---

<sup>۱</sup> صحیفه امام؛ ج ۶، ص ۳۰۰.

.....

مادران هستند. آن که بهشتی می شود، پایه‌ی بهشتی شدنش از مادر است.<sup>۱</sup>

در بیانی دیگر ایشان می فرمایند:

«مادر از هر سازنده‌ای، سازنده‌تر و با ارزش‌تر است. بزرگترین دانشمندان، ممکن است مثلاً یک ابزار بسیار پیچیده الکترونیکی را به وجود آورند، موشک‌های قاره‌پیما بسازند، وسایل تسخیر فضا را اختراع کنند؛ اما هیچ‌یک از اینها اهمیت آن را ندارد که کسی یک انسان والا به وجود آورد؛ و او، مادر است.»<sup>۲</sup>

بله مادر انسان می‌سازد و در تربیت نقش محوری و کلیدی دارد؛ بی جهت نیست عزیزان که قرآن وقتی می‌خواهد به جامعه الگو معرفی کند؛ الگویی که قرار است برای بشریت تا دنیا پابرجاست الگو باشد، چهار زن را معرفی می‌کند؛ هم در الگوی

---

<sup>۱</sup>. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای به آدرس:

۵۱۷۴۸ h t t p s : / / k h l . i n k / f /

<sup>۲</sup>. همان.

.....  
 مثبت و هم در الگوی منفی؛ اتفاقا خود آقا هم باز در همین زمینه بیاناتی دارند و به این نکته تصریح می کنند؛ ایشان می فرمایند:

«در صحنه‌ی انسانیت و تکامل معنوی، خدای متعال وقتی می خواهد نمونه‌ی ممتازی بیان کند، سخن از پیامبران و مردان بزرگ و شخصیت‌های علمی و دینی نمی‌کند؛ بلکه سخن از دوزن به میان می‌آورد که یکی از آن دوزن، زن فرعون است.»

خب یکی هم که حضرت مریم ع‌ل‌ی‌ها است و از آن طرف الگوی منفی هم که معرفی می‌کند باز زن است.

از همین آیات می‌توان نقش کلیدی و محوری زن در تربیت را فهمید.

اقناع اندیشه

از راحت طلبی گفتیم

ما در این سه شبی که گذشت پیرامون روحیه‌ی ای صحبت کردیم که زهرای مرضیه ع‌ل‌ی‌ها در ریشه‌یابی

.....

خود از عدم همراهی اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله در ماجراهای مربوط به فدک و غصب خلافت به آن تصریح کردند و آن روحیه راحت طلبی بود. روحیه ای که مانع تحقق ولاء طرفینی و اخوت در جامعه می شود؛ و گفتیم هر یک از ما چه مرد و چه زن می بایست در بعد فردی و اجتماعی مقابل این روحیه بایستد؛

### سیره بانو در مبارزه با راحت طلبی

سیره ی زهرای مرضیه علیها السلام هم که این شب ها متعلق به اوست، گواه است که ایشان نه تنها مبتلی به این روحیه نبودند بلکه به شدت با این روحیه مبارزه می کردند؛ اینکه که بانو مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله می روند و خطبه می خوانند که به همان خطبه فدکیه معروف است ناظر به همین مسئله است؛ داستانی که سلمان نقل می کند و شب های قبل محضرتان تقدیم شد ناظر به همین مسئله است؛ زهرای مرضیه علیها السلام سراغ تک تک انصار و مهاجرین می رود

.....  
 و سعی می کند آنها را از روحیه تن آسایی و راحت  
 طلبی که دامن آن ها را گرفته پاک کند؛

این اقدامات و بسیاری اقدامات دیگر بانو در  
 راستای احساس وظیفه ای هست که ایشان به  
 عنوان فردی از جامعه نسبت به جامعه زمان  
 خودشان داشتند.

همین طور ما پیرامون برخی راهکارهایی که می  
 توانست فرد و جامعه را از مبتلی شدن به این  
 روحیه حفظ کند، یا در صورت ابتلا، نجات دهد  
 سخن گفتیم.

### کلیدی ترین راه برای عبور از راحت طلبی

اما بحثی که قرار است امشب در محضر شما خوبان  
 طرح کنیم و پیرامون آن سخن بگوییم یکی از  
 کلیدی ترین و اساسی ترین و مهم ترین راه هایی  
 است که می تواند فرد و جامعه را از مبتلا شدن به  
 این روحیه در امان بدارد. جالب اینجاست که اتفاقاً  
 همین جایگاه می تواند جامعه را به سمت سقوط



.....  
 در دره راحت طلبی بکشاند؛ و آن جایگاه و نقش چیزی نیست جز نقش زن و مادری.

اساسا زن در امر تربیت نقش اساسی و محوری دارد چنان که ابتدای عرایضم پیرامون این مهم سخن گفتیم و گفت و گو کردیم. اکنون می خواهیم بگوییم همین جایگاه می تواند در مسئله راحت طلبی و تن آسایی هم نقش کلیدی ایفا کند.

شما وقتی به تاریخ مراجعه می کنید می بینید پر است تاریخ از جاهایی که جامعه به واسطه ی زن و مادر از این روحیه نجات پیدا کرده و یا بعکس نقش زن و مادر موجب سقوط به واسطه ی این روحیه شده که نمونه هایی از آن را به اقتضای وقت جلوتر عرض خواهیم کرد. ای چه بسا انسان هایی که به واسطه مادر و یا همسرشان بهشتی و یا جهنمی شدند.

حضرت آقا بیانی دارند که بد نیست محضرتان بخوانم؛ ایشان می فرمایند:

«همه تحت تأثیر مادران هستند. آن که بهشتی میشود، پایه‌ی بهشتی شدنش از مادر است؛ که «الجنة تحت اقدام الأمهات». البته نقش زن به عنوان همسر هم داستان بسیار طولانی دیگری است.»<sup>۱</sup>

### زنان در رویارویی راحت طلبی

حال اجازه دهید برخی صفحات تاریخ را با هم ورق بزنیم تا نقش کلیدی مادران و زنان را در نجات و یا سقوط به واسطه راحت طلبی ببینیم.

### بانوی عصمت

ابتدا برویم سراغ مادر سادات به عنوان الگوی عالم بشریت؛ شما ببینید فرزندان امیرالمومنین علیه السلام از وجود نازنین امام حسن علیه السلام گرفته تا وجود نازنین ابی عبدالله علیه السلام تا زینب علیه السلام تا حضرت عباس علیه السلام،

<sup>۱</sup>. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌به آدرس:

.....

اینها در دامان چه کسی تربیت شده اند؟ آیا در دامان کسی جز زهرای مرضیه علیها السلام؟ این زهراست علیها السلام که این گونه فرزندان را شجاع، دلیر، اهل ایستادگی؛ اهل مقاومت، اهل صبر و اهل مبارزه با روحیه راحت طلبی تربیت کرده که نه تنها مایه ی فخر شیعه و نه تنها مایه فخر مسلمانان بلکه مایه ی فخر بشریت هستند.

فرزندانی که زهرا علیها السلام تربیت کرده کجا و روحیه راحت طلبی کجا! این نقش مادر در تربیت فرزندان برای دوری از روحیه راحت طلبی است.

زهرا علیها السلام وقتی هم که در مقام همسری هست باز همین گو نقش بازی می کند؛ زهرا علیها السلام همواره در سختی ها و مشکلات کنار امیرالمومنین علیه السلام ایستاد و حضرت را تنها نگذاشت و هرگز سعی نکرد با سخنان یا با عملش مانعی بر سر راه مجاهدت ها و تلاش های علی علیه السلام شود. اینها همه برای مادران و همسران مادران است.

## همسر زهیر ابن قین

حال اجازه دهید سفری به سال ۶۱ هجری داشته باشیم و گوشه هایی از حوادث کربلا را که شاهد بحث ماست با هم مرور کنیم. یکی از شخصیت های کربلا که شما نام او را بارها شنیده اید، زهیر ابن قین است.

زهیر بن قین بجلی از اهالی کوفه است و از مردان بزرگ و شجاع و شریف قوم اش به حساب می آید. زهیر در اوایل عمرش عثمانی بود و حتی در قضیه جنگ حضرت علی علیه السلام با معاویه هم طرفدار عثمان بود، امانه در لشکر معاویه؛

در ماه محرم سال ۶۱ زهیر در حال برگشتن از سفر حج بود کی در یکی از منزل گاه هایی که امام حسین علیه السلام اتراق کرده بودند با حضرت مواجه شد. امام حسین علیه السلام پیکی را برای دعوت از زهیر فرستادند، اما زهیر بن قین بجلی دعوت را نپذیرفت؛ این جای حیاتی این واقعه است؛ خوب

.....

گوش دهید؛ همسرش سراغ او می آید و می گوید:  
 «سبحان الله! پسرِ دختر پیامبر ﷺ تو را می طلبد و تو  
 نمی روی؟<sup>۱</sup>

همسرش با این جمله زهیر را زیر و رو کرد؛ در او یک  
 تحول درونی به وجود آورد؛ اگر نبود این همسر  
 شاید زهیر سرنوشتش به گونه دیگری رقم می  
 خورد؛ این زن بود که او را از این خواب بیدار کرد؛  
 کافی بود اینجا همسرش بگوید خودت را به درد سر  
 نینداز، به تو چه ربطی دارد؟! اگر بروی مجبور می  
 شوی با حسین علیه السلام همراه شوی و زندگی را از دست  
 دهی، اما او نه تنها مانع نشد بلکه او را ترقیب کرد  
 برای رفتن به محضر ابی عبدالله علیه السلام. چه بین او و امام  
 گذشت ما نمی دانیم؛ اما همین که بازگشت شاد و  
 مسرور بود و گفت من راه خودم را پیدا کردم؛  
 همسر زهیر تنها یک درخواست از زهیر کرد و آن این  
 بود که:

---

<sup>۱</sup> دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای به آدرس:

«تو در رکاب پسر پیامبر ﷺ به شهادت نائل می شوی. در روز قیامت من را فراموش نکن»<sup>۱</sup>

این نقش همسر در کنار زدن روحیه راحت طلبی و سعادت مند شدن شوهر است. از این نمونه هادر تاریخ بسیار است؛ زنانی که نه تنها موجب سعادت خود شدند بلکه سعادت همسران و فرزندان خود را هم تضمین کردند و اجازه ندادند غلبه روحیه راحت طلبی خود و همسران و فرزندان شان را از مسیر سعادت باز دارد.

### همسر رهبری

اجازه دهید نمونه ای هم از همین زمانه خودمان محضر شما عرض کنم، بانویی که شجاعانه، با صبر و استقامت کنار همسرش ایستاد و همواره مشوق و موجب دلگرمی همسرش بود و آن همسر مقام معظم رهبری است. رشادت ها و ایستادگی ها و مقاومت های این بانو مثال زدنی است. شاید اگر

<sup>۱</sup> همان.

.....  
 نبود همسری چون ایشان برای حضرت آقا، ایشان نمی توانستند به این گشایش ها دست یابند و امتحانات سختی را که در پیش داشتند پشت سر بگذارند.

حضرت آقا در کتاب «خون دلی که لعل شد» [که در واقع خاطرات زندان ها و مبارزات حضرت آقا است و کتابی بسیار خواندی هست] این گونه از همسرش یاد می کند:

«از باب حق گزاری باید کمی هم شده به نقشی که همسرم در زندگی من داشته اشاره کنم. ایشان قبل از هر چیز از یک طمانینه و آرامش و روحیه ی قوی برخوردار است؛ لذا با آنکه خانه ی ما بارها مورد یورش دژخیمان واقع شد و با آنکه من بارها در برابر او بازداشت شدم، حتی در نیمه شب که برای دستگیری من به خانه ما ریختند، مورد ضرب و جرح واقع شدم، علی رغم همه اینها هیچگاه ترسی یا ضعفی یا افسردگی و ملالتی در او مشاهده نکردم.»

.....  
این همراهی یک همسر است برای مبتلی نشدن  
به روحیه راحت طلبی. در ادامه آقامی فرمایند:

«با روحیه عالی و قوی در زندان به ملاقات من می  
آمد. در این ملاقاتها به من اعتماد و اطمینان می  
داد. هرگز نشد وقتی من در زندان بودم خبر ناراحت  
کننده ای به من بدهد. به یاد ندارم مثلاً خبر بیماری  
یکی از فرزندان را به من داده باشد یا مطلبی را که  
برایم ناخوشایند باشد در باره خانواده و بستگان و  
والدین گفته باشد.»

نکات بسیار جالب و درس آموزی را آقا از  
همسرشان نقل می کنند که می توانید تفصیل آن  
را در همین کتابی که نام بردم یعنی کتاب «خون دلی  
که لعل شد» ببینید.

## پرورش احساس

### مادران و همسران شهدا الگوی رهایی

ما نمونه های فراوانی از زنان و مادران اسوه و الگو  
داریم که مایه ی فخر و مباهات هستند. مادران و



.....

همسرانی که چه در دوران قبل از انقلاب و چه در دوران دفاع مقدس حماسه ها آفریدند؛ این همسران و مادران بودند که روح حرکت در مردان می دمیدند و اجازه نمی دادند روحیه راحت طلبی و تن آسایی بر آنها غلبه کند و آنها را از حرکت باز دارد؛ درود خدا بر آنان باد.

### مادر چهار شهید

رحمت خدا بر مادر شهیدان احمد، علی، یونس و محمد جواد دنیا که در دیدارش با امام خمینی ره این گونه به همه ی درس تربیت داد. او در این دیدار عکس فرزندان شهیدش را هم با خود آورده بود.

عکس اول را در آورد و رو کرد به امام و گفت: این پسر اولم احمد است. عکس دوم را گذاشت روی عکس احمد و گفت: این پسر دومم محمد است، دو سال با احمد تفاوت سنی داشت. عکس سوم را آورد و گذاشت روی عکس محمد؛ رفت بگوید این پسر سومم ...، سرش را بالا آورد، دید شانه های امام (ره)

.....  
 داردمی لرزد. اشک از چشمان امام جاری شده بود. فوری عکس‌ها را جمع کرد زیر چادرش و خیلی جدی گفت: چهار تا پسر مرا دادم که اشک‌هایتان را نبینم.

این مادر نگفت برای این فرزندانم زحمت کشیده ام چرا آنها را بفرستم تا کشته شوند، همان چیزی که راحت طلبی و تن آسایی اقتضا می کند، بلکه فرزندان را برای دفاع از کیان انقلاب پیش فرستاد تا اینگونه از جبهه حق دفاع کرده باشد. فارغ از اینکه این مادران و همسران خودشان تن به تن آسایی ندادند بلکه فرزندان همین گونه تربیت کردند.

در نقش همسری هم زنان ما قابل ستایش هستند؛ همسرانی که در دوران مجاهدت‌های قبل از انقلاب و بعد از انقلاب در کنار مردانشان ایستادند و در برابر سختی‌ها و مشکلات طاقت فرسا خم به ابرو نیاورند تا نکند دل مردانشان

.....  
 بلرزد و دچار راحت طلبی شوند و جبهه‌ی حق را رها  
 کنند؛

### همسری زهرا علیها السلام

بهترین مقتدای این زنان بانوی عصمت صدیقه‌ی  
 طاهره علیها السلام بود؛ بانویی که هرگز دچار راحت طلبی و  
 تن آسایی نشد و در کنار امام علی علیه السلام روحیه خودش  
 را حفظ کرد. بانویی که دختر حاکم زمان بود اما در  
 خانه علی این گونه ساده زیست و هرگز همسر را  
 برای یک زندگی راحت طلبانه تحت فشار قرار نداد.  
 سلمان فارسی نقل می‌کند:

روزی حضرت فاطمه علیها السلام را دیدم که چادری وصله  
 دار و ساده بر سر داشت. در شگفتی ماندم و گفتم  
 عجب! دختران پادشاهان ایران و قیصر روم بر کرسی  
 های طلایی می نشینند و پارچه های زربفت به تن  
 می کنند. وه که این دختر رسول خداست صلوات الله علیه! نه  
 چادرهای گران قیمت بر سر دارد و نه لباس های  
 زیبا!

.....

حضرت زهرا علیها السلام خدمت پدر بزرگوار خود رسید و عرض کرد: يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ! اِنَّ سَلْمَانَ تَعَجَّبَ مِنْ لِبَاسِي فَوَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ! مَا لِي وَ لِعَلِي مُنْذُ خَمْسِ سِنِينَ اَلَا مَسَكَ كَبْشَ يَغْلِفُ عَلَيْهَا بِالنَّهَارِ بَعِيرُنَا وَاذَا كَانَ اللَّيْلُ افْتَرَشْنَاهُ. [۱]

«ای رسول خدا! سلمان از سادگی لباس من تعجب نموده است، به آن خدایی که تو را مبعوث نمود سوگند! مدت پنج سال است فرش خانه ما پوست گوسفندی است که روزها بر روی آن شترمان علف می خورد و شب ها بر روی آن می خوابیم، و بالش ما چرمی است که از لیف خرما پیر شده است.»

بله این است سیره ی بانوی طهارت علیها السلام است که هرگز تن به تن آسایی نمی دهد؛ بی جهت نیست که امیرالمومنین علیه السلام در وصف همسرش می فرمود:

«فوالله... لا اغضبتنی ولا عصت لی امرا و لقد کنت  
انظر الیهافتنکشف عنی الهموم والاحزان»<sup>۱</sup>  
(سوگند به خدا که فاطمه علیها السلام هیچ گاه مرا خشمگین  
نکرد و در هیچ کاری از من سرپیچی ننمود؛ و من  
هرگاه به فاطمه علیها السلام نگاه می کردم، غم و اندوه از من  
زدوده می شد.)

## رفتار سازی

## تربیت زنان

ما محتاج چنین مادران و همسرانی در جامعه  
هستیم؛ مادران و همسرانی که می توانند با تربیت  
خود انسان بسازند و سرنوشت یک نسل بلکه  
نسل هایی را عوض کنند؛ مادرانی می خواهیم که  
نسل سلیمانی ها را تربیت کند؛ سلیمانی که برای  
یاری جبهه حق لحظه ای آرام و قرار نداشت؛

<sup>۱</sup> بحار الانوار، جلد ۴۳، صفحه ۱۳۴

## وصیت سردار

سردار سلیمانی در نامه به دخترش می نویسد:

«عزیزم من متعلق به آن سپاهی هستم که نمی خوابد و نباید بخوابد. تا دیگران در آرامش بخوابند. بگذار آرامش من فدای آرامش آنان بشود و بخوابند. دختر عزیزم شما در خانه من در امان و با عزت و افتخار زندگی می کنید. چه کنم برای آن دختر بی پناهی که هیچ فریادرسی ندارد و آن طفل گریان که هیچ چیز... که هیچ چیز ندارد و همه چیز خود را از دست داده است... خیلی خسته ام. سی سال است که نخوابیده ام اما دیگر نمی خواهم بخوابم. من در چشمان خود نمک می ریزم که پلک هایم جرات بر هم آمدن نداشته باشد تا نکند در غفلت من آن طفل بی پناه را سرب برند.»

این چنین مادرانی که بتوانند سلیمانی تربیت کنند جز با مکتب اسلام و تربیت اسلامی رشد پیدا

.....  
 نخواهند کرد. این چنین مادرانی خروجی مکتب  
 اسلام هستند.

### تربیت زن در فرهنگ غرب

باید دانست با فرهنگ غرب چنین مادرانی تربیت  
 نخواهند شد که بتوانند فرزندان این گونه تربیت  
 کنند. امروز تمام تلاش دشمن این است که با  
 نفوذ دادن فرهنگ غرب از تربیت چنین مادرانی  
 که سلیمانی پرورند جلوگیری کند. از انواع توطئه‌ها  
 و دسیسه‌ها استفاده می‌کنند.

### فرهنگ بی حیایی و بی حجابی

یکی از مهم‌ترین حربه‌های دشمن برای جلوگیری  
 از پرورش چنین همسران و مادرانی زهرایی، ترویج  
 فرهنگ بی حیایی و بی حجابی هست، عجیب کار  
 می‌کنند؛ برنامه ریزی می‌کنند، هزینه می‌کنند تا  
 اینکه عفاف و حیا را از زنان ما بگیرند؛ شما ببینید  
 برای همین فتنه‌ی اخیر حجاب چقدر هزینه کردند،

.....

چقدر برنامه ریزی کردند؛ البته آنها خوب فهمیده اند باید روی چه چیزی متمرکز شوند تا به اهداف شوم خود برسند؛ این ساده باوری است که عده ای گمان کنند غربی ها به دنبال تحقق آزادی برای زن هستند. آیا این همه هزینه و سرمایه گذاری برای برداشتن روسری از سر زنان ما نباید ما را به فکر فرو برد که دشمن چه در سر می گذراند؟! و چرا اینقدر هزینه می کند؟!

### اشتباه محاسباتی در امر حجاب

نباید به سادگی از کنار مسئله حجاب گذشت؛ نباید دچار اشتباه محاسباتی شد؛ عده ای می گویند شما اقتصاد را درست کنید بعد بگویید حجاب؛ این غلط است؛ هر چیزی به جای خود؛ بله اقتصاد هم باید درست شود اما نباید به بهانه ی وجود مشکلات اقتصادی ما از این واجب الهی کوتاه بیاییم؛ مگر تحقق این واجبات در طول هم هستند؟! بی توجهی به امر حجاب خسارات جبران



.....  
 ناپذیری برای خانواده و جامعه خواهد داشت؛  
 البته بی‌گدار هم نباید به آب زد؛

### مصداقی از ولایت عرضی

برخی از این طرف بوم می‌افتند و عده‌ای از آن طرف؛  
 مقابله با بی‌حجابی به عنوان مصداقی از ولایت  
 عرضی که جلسه دوم مفصل پیرامون آن سخن  
 گفتیم، قطعاً وظیفه‌ی همه ما است و نباید مقابل  
 آن کوتاه آمد؛ اما همان‌طور که در همان بحث ولایت  
 عرضی هم تذکر دادیم؛ باید دو جنبه ولایت عرضی را  
 مدنظر داشت؛ یک جنبه‌ی ولایت عرضی نصیحت  
 و امر به معروف و نهی از منکر بود و یک جنبه‌ی آن  
 نصرت و یاری. این دومی بایست در کنار هم تحقق  
 پیدا کنند؛ آن خانمی که احیاناً بخاطر تحت تاثیر  
 قرار گرفتن جو کشف حجاب کرده نباید ما را دشمن  
 خود ببیند؛ باید پیام نصرت و همراهی ما به او  
 برسد؛ او نباید خودش را از ما جدا بداند؛ که اگر او ما  
 را از خود جدا بداند و مقابل خود ببیند نه در کنار

خود و خیرخواهش، قطعا مسئله حجاب حل نخواهد شد؛

### عملکرد رهبری در حجاب

شما عملکرد رهبری را ببینید؛ در همین جریان‌ها فتنه حجاب، حضرت آقا در بازدید از غرفه‌های کتاب، سراغ خانمی می‌روند که حجاب او کامل نیست، شما نوع برخورد آقا را ببینید و بعد مصاحبه‌ای که با آن خانم شد؛ حضرت آقا دارند به جامعه و به دختران خود پیام ولاء می‌دهند؛ یعنی شما ای خانم اگر چه آن حجابی را که باید رعایت کنی نداریم اما باز هم دختر من هستی؛ دریافت این پیام از سوی خانم‌های کم حجاب بسیار مهم است؛ حضرت آقا در این ایام در فرصت‌های متعددی این پیام ولاء را به زنان و دختران جامعه دادند؛ این که آقا در جمع دخترانی که برای جشن تکلیف جمع شده‌اند حضور پیدا می‌کند و با آنها عکس می‌گیرد دارد همین پیام را به جامعه مخابره می‌کند، الگو بگیریم

.....

از این حرکت آقا، ما امروز متأسفانه نه تنها این پیام را به زنان و دختران جامعه مخابره نمی‌کنیم بلکه مسئله حجاب موضوعی شده که حتی بین مذهبی‌ها هم ایجاد اختلاف کرده و موجب تفرقه شده؛ این اشتباه محاسباتی است؛ این خواست دشمن است؛ ما برای عبور از این فتنه حتماً می‌بایست اتحاد و همدلی را بین خود حفظ کنیم؛ این از مهم‌ترین مسائل برای تحقق اهداف مورد نظر است. امید داریم با عنایات و دعای مادر سادات، مظهر عفاف و حجاب، خانم جان زهرای مرضیه علیها السلام نقشه‌های دشمنان برای عفاف و حیا و حجاب زنان ما نقش بر آب شود. ما به دعا و مادری‌های این بانو معتقدیم؛ شهدا به ما یاد دادند که هر جا به کار گره افتاد در خانه‌ی این بانو رویم؛ چه گره‌گشایی‌هایی که با توسل به این بانوی بزرگوار اتفاق افتاد است تا آنجا که نام برخی از شهدا بانو فاطمه‌ی زهرا علیها السلام گره خورده است؛ یکی از آن شهداء شهید عبدالحسین برونسی است که خاک‌های نرم

.....  
 کوشک شاهد توسل های او به مادر و گره گشایی  
 هایی که توسط بانو اتفاق افتاد است.

بیایید در این آخرین شب دست به دامان چادر  
 مادرمان زهرا علیها السلام شویم؛ چادری که در کوچه های  
 مدینه خاکی شد و حرمتش شکست؛

### روضه

این شعر رو بخونم و شهدا رو سهیم کنیم در  
 توسل امشب مون. با شهدا در مصیبت زهرای  
 مرضیه علیها السلام و چادر خاکی مادر گریه کنیم

تا توان داری گدای حضرت صدیقه علیها السلام باش

بی محابا! مبتلای حضرت صدیقه علیها السلام باش

افضل الأعمال عالم.. مدح این بانو بود

تا نفس داری ندای حضرت صدیقه علیها السلام باش

سعی کن تا محرم کاشانه ی زهرا علیها السلام شوی

مثل سلمان.. آشنای حضرت صدیقه علیها السلام باش

.....

بین این خانه اگر کوچک شوی عزت دهند

با صلابت خاک پای حضرت صدیقه علیها السلام باش

اگه به هر دلیلی نشده در شب های گذشته رشته ی  
 قلبت رو گره بزنی به تار و پود بیرق عزای مادر  
 سادات؛ امشب جبران کن.

عرضه کن مادر جان ما آمدیم در غم تو بسوزیم.  
 آمده ایم شما برایمان دعا کنید تا در فهم دین و  
 عمل به آن موفق شویم.

در قاموس شیعیان احترام گذاری و ارزش نهادن  
 برای چادر قدمت دیرینه ای دارد؛ بله، چادر ارثیه ی  
 مادر سادات است.

در حمله تروریستی آبان ماه سال ۱۴۰۱ به حرم مطهر  
 احمد بن موسی شاه چراغ علیه السلام وقتی یکی یکی اجساد  
 مطهر شهدار اکنار هم گذاشتند تا هویت شهیدان  
 و مجروحین عزیز مشخص شود؛ چند چادر خونین  
 همه را بهت زده کرده بود؛ یکی از آنها متعلق به یکی

.....  
 از شهدای حادثه تروریستی بود و مابقی برای  
 مجروحین خانم بود.

از دشمن خبیث بعید نبود که زن و بچه‌های زائر را  
 هدف مستقیم گلوله قرار دهد. بعد از این اتفاق  
 چادرهای خونین را در ورودی حرم مطهر آویزان  
 کرده بودند تا یاد و خاطره شهدا و مجروحین در  
 خاطرها بماند و همچنین به آنهایی که نمیدانند  
 مخابره شود که چادر از زنان شیعه‌ی ماجداشده‌ی  
 نیست؛ فکر کنم متوجه شده باشید چه روضه‌ای  
 می‌خواهم بخوانم. در این لحظات مصیبت خوانی  
 ظهور حضرت حجت علیه السلام را از خداوند طلب کنید؛

بمیرم که چه گرد و خاکی

نشسته روی چادر مادر

بمیرم که میون کوچه

شکسته انگار حرمت حیدر

.....  
 روضه‌ی امشب من همین اشعاری باشه که آروم  
 آروم دارم براتون میخونم. من میخوانم شما تصور  
 کنید و بسوزید در مصبت زهرا و علی علیهما السلام؛

یا صاحب الزمان علیه السلام

خون هنوز می چکه از رومسما

امون از دیوار، امون از دیوار

دستای فاطمه علیها السلام افتاد از کار

دنیار و سر علی علیه السلام شد آوار

یه جای دیگه هم دنیاروی سر امیرالمومنین علیه السلام آوار

شد؛ آنجایی که زهرا علیها السلام را داخل قبر گذاشت و کار

دفن حضرت تمام شد. گریه کرد و با بغض فرمود:

إِمَّا حُزْنِي فَسَرْمَدٌ، وَإِمَّا لَيْلِي فَمُسَهَّدٌ

اندوه من در غم زهرا علیها السلام همیشگی ست

و شب‌های من بدون زهرا علیها السلام به بیداری و بی‌قراری

سپری خواهد شد

.....  
آه از مصیبت زهرا ع و بغض امیرالمومنین ع

آه از دل‌های مصیبت زده‌ی اولاد خانه‌ی

امیرالمومنین ع

لا حول ولا قوۃ الا بالله



آگاه باشید! همانا می بینم که به آسایش و زندگی  
راحت رغبت یافته؛ و کسی را که به اداره و تدبیر امور  
از همگان سزاوارتر است، از منصب زمامداری دور  
کرده اید؛ و به تن پروری و آسایش در گوشه خلوت  
تن داده اید.

“فرازی از خطبه فدکیه حضرت زهرا(س)”



کاری از معاونت پژوهش امیربیان فارس